

# ندای انقلاب

ارگان مرکزی

سازمان

کمونیست های انقلابی افغانستان

ما به شکل گروه فشرده کوچکی در راهی پر از پرتگاه و دشوار دست یك دیگر را محکم گرفته و به پیش می رویم. دشمنان از هر طرف ما را در محاصره گرفته اند و تقریباً همیشه باید از زیر آتش آنها بگذریم. اتحاد ما بنا بر تصمیم آزادانه، ما است. تصمیمی که همان برای آن گرفته ایم که با دشمنان بیکار کنیم و در منجلاب مجاور ما در نفلطیم که سکنه اش از همان آغاز ما را به علت اینکه بصورت دسته، خاصی مجزا شده طریق مصالحه بل طریق مبارزه را برگزیده ایم سرزنش نموده اند. "لنین"

میزان ۱۳۶۹ (اکتوبر ۱۹۹۰)

ندای انقلاب

دوره اول

شماره دوم

## مرام نشراتی



### در سهائیکه باید بخاطر داشت

اینک در سیزدهم میزان سال ۱۳۶۹ بیست و ششمین سالگرد تشکیل سازمان جوانان مترقی فرا رسید. سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان بمتابه یك سازمان مارکسیست - لنینیست - مائوئیست یعنی بمتابه میراث بقیه در صفحه (۲)

اجرای وظایف بزرگ انقلابی در شرایط فعلی نظر به عدم موجودیت یك حزب اصیل کمونیستی نمیتواند پیشرفت مطلوب نموده، بن بست سیاسی - اجتماعی افغانستان را در جهت تامین منافع پرولتاریا و خلقهای کشور که بایر روزی انقلاب ملی - دموکراتیک را از نوین میتواند اولین گامهای خود را بردارد، بشکناند. این ضرورت، مبارزه در راه تشکیل چنین یك حزبی را در سرلوحه وظایف باقرار میدهد که یقیناً بدون پیشبرد مبارزه بقیه در صفحه (۲)

بقیه مرام نشراتی :

بقیه در سهائیکه ۰۰۰

فعال ایدئولوژیک - سیاسی نمیتوان موفقیت‌ی  
در آن بدست آورد .

سازمان کمونیست های انقلابی  
افغانستان برای اینکه توجه اعضای تشکیلات  
خود و منسوبین جنبش کمونیستی کشور را در  
پیشبرد این مبارزه جلب نموده باشد، در  
اعلام مواضع خویش چنین تاکید مینماید :  
" تبلیغ و ترویج منظم و پیگیر  
مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم یک وظیفه  
مهم در خور توجه و همیشگی کمونیستهای  
انقلابی شمرده میشود و در مبارزه بخاطر  
تشکیل حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست  
- مائوئیست از اهمیت اساسی برخوردار است."  
" ۰۰۰ در ارتباط با وظایفی که راه  
انقلاب در کشورهای سرمایه‌داری و عقب‌نگه  
داشته شده سه قاره به پیش می‌نهند نشریه  
نقش متفاوتی بازی میکند " (بیانیه جا)

ازین جهت جریده نای انقلاب به  
شابه ارگان مرکزی سازمان کمونیست های  
انقلابی افغانستان نمیتواند ادعا نماید نقش  
آن ارگانی را ایفا میکند که لنین در " چه باید  
کرد " از آن نام می برد . روشن است که در کشور  
های عقب‌نگه داشته شده سه قاره این جنگ  
خلق است که بابرپائی پایگاه های سرخ می  
نواند در امر سازماندهی، بسیج و رهبری توده ها  
نقش کلیدی ایفا نماید .

بقیه در صفحه مقابل

- دار اصولیت های حاکم بر خط انقلابی  
سازمان جوانان مترقی ، این روز را تجلیل می  
نماید .

وقتی از خط انقلابی سازمان جوانان  
مترقی صحبت مینمائیم در حقیقت خط انقلابی  
بی رفیق شهید اکرم یاری را مد نظر داریم .  
این خطی بود که در سالهای شگوفائی فعالیت  
سازمان جوانان مترقی بر آن حاکم بود . این  
خطی بود که با موضع گیری علیه رویزیونیسم  
خروشچفی و دنباله روان افغانی آن و با  
ایستادگی در خط مائوتسه دون ، موجودیت  
جنبش مائوئیستی در افغانستان را رقم زد و  
موجودیت آنرا در جامعه ما تثبیت کرد . این  
خط ، خط ایجاد گر جنبش ما بود . این مطلب  
اساسی در مورد خط انقلابی سازمان جوانان  
مترقی است ، نباید آنرا به فراموشی سپرد .

اما موقعیکه خط ناسالم بر سازمان  
جوانان مترقی حاکم گردیده بود ، خط ناسالمی  
که بعداً در وجود " سرخا " تداوم پیدا کرد  
موقعیکه تمامی نیروهای منسوب به جنبش  
کشور به انحراف و کجراه کشانده شده بود ،  
رفیق شهید اکرم یاری همچنان مشعلدار  
استوار خط انقلابی سازمان باقی ماند و به پا  
فشاری روی اصول انقلابی مارکسیستی -  
لنینیستی - مائوئیستی ادامه داد .

تجلیل از سالگرد تشکیل سازمان

بقیه در صفحه (۳)

بقیه مرام‌نشراتی :

بقیه در سه‌هائیکه ۰۰۰

عدم توجه به این مسئله به معنی عدم درک راه انقلاب در کشورهای تحت سلطه بوده و از بی‌توجهی نسبت به خدمات فناپذیر مائوتسه دون در امر تدوین راه انقلاب ملی - دموکراتیک طراز نوین منشاء می‌گیرد .

جریده " ندای انقلاب " بمثابة ارگان مرکزی سازمان کمونیست های انقلابی افغان - استان تبلیغ و ترویج منظم و پیگیر مارکسیسم - لنینیسم - مائوتیسم را وظیفه اساسی خود می‌اند . با انتشار منظم ندای انقلاب میتوان از ۰۰۰ از طریق تحلیل‌ها و افشاگری های سیاسی مسایل مهم و وقایع روزمره کشورهای عضو اتحادیه کمونیستی توده های پیشرو را به دیدگاه همه جانبه از جامعه و جهان مسلح ساخت " .

( اعلام مواضع س . ک . ۱۰۱۰ )

" ندای انقلاب " با اتکاء به رهنمود ای داده شده در " اعلام مواضع سازمان " یکوشد نه تنها در شناساندن جنبش ما و گونگی ماهیت سلطه و عملکردهای سوسیال - پریالیسم ، امپریالیسم و ارتجاع در افغان - استان ، به جهانیان نقش سازنده ای ایفاء باید ، بلکه سعی خواهد کرد با معرفی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی احزاب و سازمانهای امل در آن و تحلیل‌هائیکه آنها از مسایل جهانی مسایل مربوط به کشورهای مختلف ارائه می‌بقیه در صفحه ( ۱۵ )

جوانان مترقی در عین حال تجلیل از آن استواری انقلابی مائوتیستی است که رفیق شهید اکرم یاری عامل ، حامل و سمبول آن بود .

### مبارز استوار در راه تشکیل حزب

#### کمونیست

" ۰۰۰ برای آنکه بتوان تمام زحمت کشان همه ، ملیت های تحت ستم و ملیت حاکم را در یک اردوگاه واحد جهت یورش موافقانه بر پایگاه ارتجاع یعنی سیستم فیودالی - بروکراتیک نظامی مرکزی متحد ساخت و برای آنکه بتوان از همه انواع اجحافات و ستم‌گری ها و فسادهای سیستم فیودالی - بروکراتیک نظامی سیل واحدی را به جریان انداخت و برای آنکه بتوان انواع گوناگون نارضایتی های خورد و بزرگ را در یک مسیر واحد جهت پیروزی انقلاب دموکراتیک توده ای متحد نمود - برای همه این ها لازمی است ستاد فرماندهی واحد انقلابی ، با انضباط و دانشمند در وجود حزب واحد کمونیست سرتاسری افغانستان را تاسیس نمود " .

این جملات در سال ۱۳۵۶ به رشته تحریر در آمده است ، یعنی موقعیکه رفیق شهید در واقع تنها است و از داشتن یک نیروی تشکیلاتی محروم . اما در آن سال و سال بعد - که باید آخرین سالهای عمر رفیق بقیه در صفحه ( ۱۲ )

## با تجاوزی که تحت رهبری امپریالیسم امریکا در خلیج جریان یافته مقابله کنید

امپریالیسم امریکا با یاری سائر قدرتهای امپریالیستی مهم جهان دیوانه وار نیروی نظامی گسترده ایرا در عربستان سعودی و آبهای خلیج گرد می آورد . کاملاً منطقی است که انتظار يك تجاوز خونین و شاید يك جنگ تمام عیار با عراق را از سوی امپریالیست های امریکائی که مترصد فرصت برای برپائی جنگند ، داشته باشیم .

امپریالیسم امریکا از اشغال کویت توسط عراق بعنوان پوششی جهت توجیه تجاوز خویش سود میجوید . اما این خود امریکا است که پی در پی بسائر کشور ها دست اندازی کرده و از بکار گیری قدرت نظامی گسترده ، خود علیه قربانیان ضعیف و بی دفاعی نظیر گرانادا و پاناما ذتی خاص می برد . این امریکا بود که سببانه به اشغال بخش جنوبی ویتنام پرداخت و میلیونها نفر را در جریان تلاشی ناکام برای سرکوب خلق آن کشور بقتل رساند . و این امریکا است که دولت صهیونیستی اسرائیل را از حیث اسلحه و پول تامین میکند . دولتی که همانا موجودیتش بر اشغال نامشروع فلسطین استوار گشته و متناوبا به وحشیگری لجام گسیخته علیه خلقهای کشور های همسایه ، خود می پردازد .

هدف واقعی تجاوزی که تحت رهبری امریکا جریان دارد در انقیاد نگاهداشتن کل منطقه و تلاش برای ارباب خلقهای خاور میانه و کل جهان و تحکیم امپراتوری جهانی آنها است . امریکا حتی تهدید کرده که در صورت بروز تخاصمات از سلاح هسته ای استفاده خواهد کرد . جنبش انقلابی نترناسیونالیستی - جنبشی که احزاب و سازمانهای مائوئیست اصیل در سراسر جهان منجمله خاور میانه و ایالات متحده را متحد ساخته - تجاوز اوباشان امریکائی و همدستان جنایتکار شان ا قاطعانه محکوم میکند و پرولتاریا و خلقهای ستمدیده را به مقابله با آنها فرا میخواند .

توده های عراق و سراسر خاورمیانه و جهان عرب دریافته اند که این تجاوز امپریالیستی بلیه منافع آنها است . آنها در اشتیاق فرصتی هستند که بتوانند سلاح بدست گرفته برای هائی ملی خویش علیه امریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی ، علیه رژیمهای ارتجاعی عرب . دولت صهیونیستی اسرائیل بجنگند . جنبش انقلابی انترناسیونالیستی از چنین مقاومتی - در هر شکل که جریان یابد - حمایت میکند .

اما توده های این کشور ها دیده اند شیادانی که رخت ملی بر تن کشیده اند بار ها به امید ها ، فداکاریها و مبارزاتشان خیانت کرده اند . این شیادان ادعای ضدیت با امپریالیسم و صهیونیسم را داشته اند ، اما سرانجام از پشت به مردم خنجر زده اند . صدام حسین یکی ازین شیادان ارتجاعی است . او سالیان سال تا خرخره غرق معامله گری با امپریالیست های شرق و غرب بود . جنایاتی که وی مرتکب شده بیشمار است . کسی که در کشور خود برای سرکوب مال ملی خلق کرد از سلاح کیمیاوی استفاده نمیکند نمیتواند توده های عراق و عرب را در جنگ برای کسب رهائی واقعی از چنگال امپریالیسم رهبری کند و نخواهد کرد .

رهائی خاور میانه از دام امپریالیسم و صهیونیسم بدست نخواهد آمد مگر پرولتاریا و خلقها رفش خویش یعنی درفش انقلاب دموکراتیک نوین و جنگ خلق را بر افرازند . آنها می باید بر تلاشهای خود متکی شوند و نه به " کمک " امپریالیست ها و مرتجعین . آنها نباید خیال " خرید " رهائی خویش توسط در آمد نفت - که چون داغ لعنتی بر پیشانی خاور میانه - وبیده شده - را در سر بپرورانند .

سالیان سال نیروهای فرصت طلب در خاور میانه و سایر مناطق ادعا میکردند که تنها با تکیه به " شوروی " است که میتوان به مقابله با امریکا برخاست . همین نیروها بودند که با اثوثیست ها مخالفت میورزیدند چرا که مائوئیست ها همواره حقیقت را میگفتند . اینک - اتحاد شوروی " یک قدرت سوسیال امپریالیستی است و دوست ستمدیدگان نیست . اینک - ' شوروی " احساس میکند که اتحاد با امریکا در خلیج به منافع امپریالیستی اش بیشتر خدمت میکند . ثمره ، زشت این امر را امروز در چهره ، حافظالاسد - این تحت الحمایه شوروی - می بینیم . او که زمانی خود را یک ضد امپریالیست بزرگ جا میزد اینک وقیحانه در تجاوز امریکا لیه توده های عرب شرکت میجوید .

امپریالیسم امریکا را میتوان شکست داد . تاریخ نشان داده که توده های خلق خود میتوانند درتمند ترین دشمنان را شکست دهند . این درسی است که اینک بار دیگر در پیروزنده گشته ست . در آنجا حزب کمونیست پیرو که یکی از شرکت کنندگان در جنبش ما است دهسال است ه جنگی پیروزمند را با سلاحهایی که از چنگ دشمن بدر آورده و با پشتیبانی توده ها به پیش ببرد - بی آنکه ذره ای کمک از مرتجعین و امپریالیست ها دریافت دارد .

در پشت هیاهوی امپریالیست های امریکائی تلاشی سراسیمه برای پاسخگوئی به بحران مق یابنده ، نظام جهانی امپریالیستی نهفته است . امریکا با درماندگی در پی ترمیم وتقویت بکه ، تار عنکبوتی سلطه و کشتار خویش است تا به چپاول ثروتھائی که دسترنج توده های

سراسر جهان است تداوم بخشد . " اتحاد شوروی " برتانیه و فرانسه خود را ملزم میبینند که برای حفظ منافع شان و دسترسی به خوان یغما در این کار نقش بازی کنند . به مرتجعینی نظیر مبارک گفته شده وقت آن رسیده که با خون مردم این کشور ها دیون خود را به اربابان امپریالیست شان بپردازند .

همه این وقایع دشواری ورنج های فراوانی را برای توده ها به همراه خواهد آورد اما مهمتر از آن شرایط بهتری برای مردم فراهم خواهد ساخت تا با برپائی مبارزه انقلابی به سرچشمه دشواری ورنج یعنی امپریالیسم و ارتجاع ضربه بزنند . کمونیست های انقلابی میباید تلاش کنند که در راه مبارزه توده ها علیه تجاوز امپریالیستی امریکا قرار گرفته در جریان نبرد به توده ها در تشخیص دوست از دشمن یاری رسانده و بر تلاشهای خود جهت ایجاد احزاب پیشاهنگ پرولتری صیل بیفزایند . اینک زمان آن است که پرولتاریا و خلقها نوشتن تاریخ خویش را بیاززند .

کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

۱۷ اگست ۱۹۹۰

بقیه از صفحه ۸

### خلیج میدان تباری و سازش . . .

امپریالیسم غرب و مبارزه علیه همسرعی خائنانه و مزدورمنشانه رژیم کابل با این اقدام ا بمثابه گامی در جهت تشکیل حزب پیشاهنگ پرولتری اصیل در افغانستان مدنظر گرفته به پیش خواهد برد . همسوئی ، همزومی و اقدامات مشترک تمامی نیروهای کمونیست کشور خصوصاً مشمولین کمیته انسجام و وحدت را درین مبارزه خواهانیم .

ما همچنان از تمامی نیروهای انقلابی ، دموکرات و ملی در افغانستان میخواهیم که در بسی نقاب کردن هرچه وسیعتر اقدامات مرتجعین وابسته به امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم که در ضدیت کامل با آزادی ملی و منافع خلق ما و در خدمت امپریالیسم جهانی میباشد از هیچگونه بارزه و بخصوص افشاگری در میان توده های مردم دریغ نوزند .

مرگ بر سوسیال امپریالیسم — امپریالیسم و کلیه مرتجعین  
به پیش در راه تشکیل حزب کمونیست افغانستان

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان

پانزدهم سنبله ۱۳۶۹

## خلیج میدان تبانی و سازش سوسیال امپریالیست ها ، امپریالیست ها و مرتجعین رنگارنگ

اینک بار دیگر منطقه ، خلیج صحنه ، تاخت و تاز نیروهای نظامی گسترده ، امپریالیست ها و مرتجعین رنگارنگ به رهبری امپریالیسم امریکا قرار گرفته است . گرچه این لشکرکشی وسیع امپریالیستی و ارتجاعی در زیر پوشش مخالفت علیه اشغال کویت توسط عراق صورت می گیرد اما هدف اساسی آن — مانند هر لشکرکشی امپریالیستی و ارتجاعی دیگر — تحکیم سلطه ، امپریالیسم جهانی بخصوص امپریالیسم غرب بر خلقهای منطقه و تمامی خلقهای جهان میباشد . به همین جهت است که قدرتهای امپریالیستی اروپا با نیروهای نظامی شان ، امپریالیست های جاپانی با پیشکش نمودن کمک های مالی هنگفت و مرتجعین منطقه به صور گوناگون ، پشت سر امپریالیسم امریکا صف کشیده اند . آیا مقابله با مرتجع سازشکاری چون صدام حسین مستلزم اینچنین لشکرکشی وسیع و گسترده میباشد ؟ واضح است که نه ، زیرا که وی خودش حلقه ای از حلقهات ارتجاع منطقه بوده و تمامی کروفر نظامی فعلی اشرا مدیون امپریالیست ها ، سوسیال امپریالیست ها و مرتجعین وابسته به آنها میباشد .

در چنین حالتی است که نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم امریکا در افغانستان می خواهند ثابت نمایند که مزدوران " حق شناسی " میباشد . آنها با اعلام اینکه دسته های مسلحی از نیروهای تحت فرمان شانرا به عربستان سعودی اعزام خواهند کرد ، میکوشند این " حق شناسی " نسبت به ارباب بزرگ امریکائی و سائر اربابان بزرگ و کوچک شانرا در عمل نشان دهند . این نیت خائنانه و مزدور منشانه در زیر دفاع از اماکن مقدسه ، اسلامی در عربستان سعودی پنهان ساخته میشود تا چاکری به امپریالیسم توجیه مقدس مذهبی پیدا نماید . اما این چگونه وظیفه مقدس مذهبی است که برای اجرای آن پرداخت رشوه ، هنگفتی مورد ضرورت میباشد ؟ طراحان اصلی اعزام نیروهای مسلخ افغانی به عربستان سعودی از هر فردیکه میخواهد درین نیروها شامل گردد مبلغی در حدود پنجاه هزار افغانی به عنوان " مخارج مورد ضرورت " مطالبه می نمایند . یقینا آنها خواهند توانست ازین طریق مبالغ هنگفتی به جیب بزنند .

از جانب دیگر سوسیال امپریالیسم شوروی که در شرایط فعلی اتحاد با امریکا در خلیج را به نفع خود میبیند ، برای آتش افروزی امپریالیست های امریکائی و متحدین و مزدورانش هیئتم کشی نموده و از طریق فیصله ها و قطعنامه های " سازمان ملل متحد " به آن " قانونیت " میبخشد

رژیم مزدور کابل به تبعیت از ارباب سوسیال امپریالیستی اش نه تنها در " سازمان ملل متحد " پشت سر امریکا می ایستد بلکه بدون اینکه خمی به ابرو آورده و حد اقل اداها و اطوارهای ضد امریکائی گذشته و فعلی اش را بخاطر بیاورد دست گدائی بسوی کاخ سفید دراز نموده و با تزرع و زاری از سرمایه داران امریکائی میخواهد که غرض سرمایه گذاری به افغانستان بشتابند تا زورق شکسته اقتصاد کشور نجات یابد . این چنین است که اعزام نیروهای مسلح توسط ارتجاعیون وابسته به امپریالیسم امریکا به عربستان سعودی ، در واقع مورد تائید رژیم مزدور کابل قرار می گیرد ، تا یکبار دیگر بطلان خیالات پوچی که رژیم پوشالی کابل را یک رژیم ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی قلمداد می نماید بصورت آشکارا و روشنی در عمل ثابت شود .

به این ترتیب همسوئی آشکاری میان امپریالیست ها ، سوسیال امپریالیست ها و مرتجعین وابسته به آنها در رابطه با وقایع اخیر در خلیج به مشاهده می رسد . همسوئی میان نیروهای وابسته به امپریالیسم غرب در افغانستان و رژیم مزدور کابل در مورد حوادث خلیج بخشی ازین تبانی عمومی بوده و در عین حال جزئی از سازش و ساخت و پاخت با امپریالیسم غرب و مزدوران افغانی اش میباشد که سوسیال امپریالیسم شوروی و رژیم مزدور کابل میخواهند بنام " مصالحه ملی " و در ضدیت با منافع خلق ما ، در افغانستان به اجرا در آورند .

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان به عنوان یک سازمان مائوئیست و عضو جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ، لشکرکشی وحشیانه و جنگ افروزانه امپریالیسم امریکا و متحدین و مزدورانش را در خلیج ، محکوم نموده و آنرا یک اقدام امپریالیستی و ارتجاعی میدانند که در ضدیت با منافع خلقهای منطقه و جهان و منجمله خلق افغانستان قرار دارد . سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان ، در عین حال ، مواضع سازشکارانه و خائنه سوسیال امپریالیسم شوروی و مزدورانش ، و از آن جمله رژیم پوشالی کابل را نیز محکوم نموده و آنرا در ضدیت با منافع خلقهای منطقه ، خلق کشور ما و سائر خلقهای دنیا میدانند .

تا زمانیکه خلق ما در مبارزاتش توسط حزب پیشاهنگ پرولتری اصیل ، حزب مارکسیست - لنینیست - مائوئیست رهبری نگردد ، چه در داخل کشور و چه در سائر نقاط جهان ، فرزندانش گوشت دم توپ منافع سوسیال امپریالیست ها ، امپریالیست ها و مرتجعین رنگارنگ بوده و بر سرنوشت خود حاکمیت نخواهد داشت . سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان مبارزه علیه اعزام دسته های مسلح افغانی به عربستان سعودی توسط نیروهای ارتجاعی وابسته به



## پیام به حزب کمونیست پیرو

به حزب کمونیست پیرو

رفقا!

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان ، بمناسبت دهمین سالگرد آغاز جنگ خلیج در پیرو ، درودها و تمنیات رفیقانه ، خود را به رهبری و تمامی اعضای حزب کمونیست پیرو تقدیم می نماید . تجربه ، پیشبرد موفقانه ، یک دهه جنگ رو به رشد و پیروزمندانه ، خلق که به بهای خون هزاران فرزند خلق پیرو بدست آمده ، برای نیروهای مائوئیست در جهان و منجمله سازمان ما ، نه تنها مایه ، الهام بلکه ، مایه ، امید واری نیز میباشد . درین مورد اعلام مواضع سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان اینچنین حق مطلب را ادا می نماید : " مبارزات خلق های امریکای لاتین در طول سالهای گذشته جای شایسته ایرا در میان مبارزات خلقهای تحت ستم جهان بخود اختصاص میدهد . جنگ انقلابی خلق پیرو به رهبری حزب کمونیست (مائوئیست) آن کشور در تحت رهبری رفیق گونزالوکه ده سال است به پیش میرود و اکنون بیشتر از یک چهارم قلمرو پیرو را از چنگ امپریالیست ها و مرتجعین آزاد ساخته است ، منبع الهامی برای خلق های سایر کشورها بوده و چشم امید انقلابیون جهان به پیروزی کامل آن دوخته شده است . "

تجاوزات وحشیانه ایکه توسط امپریالیست های امریکائی در امریکای مرکزی و جنوبی برآه افتاده نه جنگ علیه مواد مخدر بلکه جنگ علیه خلق های امریکای لاتین است . همچنانکه هدف اساسی این تجاوزات سرکوب جنگ خلق در پیرو میباشد ، مقاومت خلق پیرو نیز در پیشاپیش مقاومت خلق های منطقه قرار خواهد گرفت . اعلام مواضع سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان درین مورد میگوید : " اکنون در حالیکه امپریالیسم امریکا مناطقی از امریکای جنوبی و امریکای مرکزی را جولانگاه تاخت و تاز نظامی خود قرار داده ، پانامه را اشغال کرده و به کلمبیا ، بولیوی و همچنان پیرونیروهای را اعزام داشته است ، این احتمال قویا وجود دارد که سراسر منطقه ، شمال امریکای جنوبی همراه با مناطقی از امریکای مرکزی به میدان مقاومت خلق های منطقه علیه تجاوز امپریالیسم امریکا مبدل گردد . درین میان نقش مقاومت خلق پیرو به یقین از اهمیت اساسی و درجه اول برخوردار خواهد بود ، زیرا که رهبری آگاه و انقلابی پرولتری در آن کشور این ظرفیت را دارد که جنگرها شیبخش خلق پیرو را آنطوری سازمان دهد که در پیشاپیش جنگ مقاومت سایر خلقهای منطقه قرار بگیرد . "

## رفقا!

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان بمثابه ۲ يك سازمان مارکسیست - لنینیست - مائوئیست خط ایدئولوژیک - سیاسی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی حزب کمونیست پیرو را در اساس مورد تائید قرار داده و پیشگامی شما رفقا را دربرافراشتن درفش "مائوئیسم" به دیده ۲ تحسین مینگرد ۲ اعلام مواضع سازمان ما درین مورد میگوید :

" اصطلاح " مائوئیسم " برای اولین بار توسط حزب کمونیست پیرو بکار گرفته شد ۲ این حزب در اسناد متعدد خود که پس از تشکیل " جا " انتشار یافته اصطلاح "مائوئیسم" را بکار برده است " ۲

ما در جستجوی پیدا نمودن راه هائی هستیم که بتوانیم روابط نزدیکی با شمارفقا ایجاد نموده و یکجا با هم زمینه ۲ ارتقای روز افزون سطح وحدت ایدئولوژیک - سیاسی فعلی بانرا فراهم سازیم ۲

از نظر ما این کاریست که باید بر اساس انترناسیونالیسم پرولتری و با تکیه بر خط طرح شده در بیانیه ۲ جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ، از طریق مبارزات مشترک تمامی پروهای شامل در جنبش و در پیوند نزدیک با کمیته ۲ آن پیش برده شود ۲

" ۲۲۲ خط ایدئولوژیک - سیاسی ارائه شده در بیانیه ۲ جنبش انقلابی انترناسیونالیستی اساس محکمی برای تامین وحدت مجدد جنبش کمونیستی بین المللی محسوب می گردد و محوری است که بر مبنای آن میتوان پروسه ۲ تجمع مجدد نیرو های کمونیستی راستین در جهان را در جهت ایجاد انترناسیونال نوین کمونیستی به پیش هدایت نمود " ۲

( اعلام مواضع سازمان کمونیستهای انقلابی افغانستان )

## رفقا!

افغانستان کشوری است که تحت سلطه ۲ سوسیال امپریالیست ها، امپریالیست ها و رتجعین رنگارنگ قرار دارد و همانند پیرو يك کشور نیمه مستعمره ( نومستعمره ) - نیمه شودالی می باشد ۲ درین کشور در طول سالهای گذشته - برای مدت زمانی تقریباً يك دهه - ننگ مقاومت خونینی علیه لشکر کشی تجاوزکارانه ۲ سوسیال امپریالیسم شوروی به جریان تاد ۲ این جنگ به بهای سنگینی برای مردم ما تمام شد، به بهای ویرانی و با خاک یکسان دن هزاران شهر و روستا، به بهای آواره گی ثلث نفوس کشور در بیشتر از بیست و پنج سور و در پنج قاره ۲ جهان، به بهای خون يك و نیم میلیون انسان و معلول شدن هزاران ن و به بهای قربانی شدن بهترین فرزندان خلق ما ۲ اما این مقاومت حماسی نتوانست مردم

مارا بسوی نابودی سیستم ارتجاعی نیمه مستعمراتی (نومستعمراتی) - نیمه فئودالی یعنی بسوی انقلاب دموکراتیک نوین رهنمون گردد. اکنون با وجودیکه "ارتش متجاوز سوسیال امپریالیستی از کشور خارج شده و افغانستان از حالت اشغال توسط قوای مهاجم سوسیال امپریالیستی خارجی نجات یافته است. اما سلطه نظامی و اداری بورژوازی کمپرادوری - بروکراتیک و فئودالهای متحد آن یعنی رژیم کابل بر مرکز کشور و بسیاری از شهرهای بزرگ و قسمتی از روستاها همچنان برقرار است. از جانب دیگر بر بخش عظیمی از روستاهای کشور و تعدادی از شهرهای کوچک و متوسط فئودالها و بورژوازی کمپرادور وابسته به امپریالیسم غرب مسلط میباشند."

(اعلام مواضع سازمان کمونیستهای انقلابی افغانستان)

جنگ مقاومت مردم افغانستان - بنا به دلایل گوناگونی - نتوانست بمثابه مرحله از جنگ دراز مدت خلق در مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم، امپریالیسم و ارتجاع و یا به عبارت دیگر به عنوان مرحله ای از انقلاب دموکراتیک نوین در کشور به پیش برده شود. یکی از دلایل اصلی این ناکامی همانا عدم موجودیت حزب کمونیست مائوئیست در کشور بود، نقیصه - ای که تا حال نیز رفع نگردیده است. سازمان ما بصورت جدی تلاش مینماید تا این نقیصه هر چه اصولی تر و زودتر رفع شده و حزب پیشاهنگ پرولتری در افغانستان بوجود آید. تحقق این مامول به نظر ما اساسی ترین گامی است که باید در جهت تدارک برای برپائی جنگ خلق در کشور برداشته شود.

ما از شما رفقا بسیار آموخته ایم و باز هم خواهیم آموخت. نبرد دلاورانه شما راتحیین مینمائیم و از آن حمایت بعمل می آوریم. بهترین و موثرترین حمایتی که میتوانیم از نبردهای شکوهمند در پیرو بعمل بیاوریم آن است که جدوجهد و تلاش مانرا برای برپائی جنگ خلق در افغانستان بیشتر و بیشتر سازیم تا خون شهدای کوهپایه های "اند" در دره ها و دامنه های "اندوز" نیز به برگ و بار بنشیند.

با درودهای گرم رفیقانه

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان

بقیه، صفحه ۴ (۳)

اساسی در تداوم خط انقلابی اصولی سازمان

جوانان مترقی محسوب میگردد.

### مدافع استوار بر پائی جنگ

#### توده ای طولانی :

"... عمده ترین نیروی انقلاب به رهبری ایدئولوژی م. ل. د. دهقانان میباشد ازینجا برمی آید که مرکز فعالیت های انقلابی در دهات است. ولی از سوی دیگر پایان بودن شعور سیاسی دهقانان تامدت نسبتاً در ازی سبب آن میشود که جریان سیاسی واقعی انقلابی نتواند برآمد مهم آشکاری داشته باشد. چون بروکراسی نظامی بر سازمان جاسوسی مخفی و پولیسی نیرومند متکی است، لذا شکل عمده فعالیت سیاسی فقط میتواند شیوه مخفی کاری و سازمان دادن دهقانان در انواع اتحادیه ها و تشکل نامرئی نیروی مسلح در میان ایشان باشد، زیرا دولت مسلح را فقط میتوان با خلق مسلح پاسخ گفت. ازینرو دهات و شیوه مخفی کاری و مسلح کردن توده های دهقانی انعکاس فعالیت حزب کمونیست است. ولی در باره فعالیت در شهرها نیز بایستی در میان کارگران و روشنفکران به تشکیل دسته های کوچکی که دارای شعور سیاسی عالی باشند، اهمیت درجه اول قایل شد، زیرا تشکل حزب کمونیست در ابتدای وحله فقط میتواند از اینراه صورت گیرد...".

" علت اساسی از هم پاشیدن جریان

شهید محسوب کرد. وی همچنان بر روی اصولیت مبارزه در راه تشکیل حزب کمونیست افغانستان پافشاری نمود. این پافشاری روی مبارزه در راه تشکیل حزب کمونیست افغانستان بخصوص آن وقتی درخشش حقیقی اشرا به نمایش میگذارد که در تقابل با طرح جبهوی " سرخا " مورد مطالعه قرارگیرد. خط " سرخا " را بایست تداوم همان خط ناسالم تلقی کرد که بعد از کنار رفتن رفیق شهید اکرم از رهبری سازمان جوانان مترقی بر آن سازمان حاکم گردید. عناصر و نیروهای اپورتونیست مخالف رفیق شهید در درون جریان مدام سعی کرده اند و میکنند که رفیق اکرم را با حاملین این خط در یک ردیف قرار دهند تا حملات شان علیه ویرا توجیه نمایند.

انحراف جبهوی " سرخا " انحرافی بود که دامنه گسترده ای داشت و اکثریت نیروهای منسوب به جریان را در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و سالهای بعد در خود فرو برد. بود. در وضعیت امروزی که از " رهائی " گرفته تا " ساما "، از " اخگر " گرفته تا " ساوو - املا " و بقایای دسته پیشرو همگی علمدار جبهه بازی " سرخا " هستند، تکیه روی اصل مائوئیستی مبارزه در راه تشکیل حزب کمونیست افغانستان که رفیق شهید اکرم یاری مشعلدار استوار آن بود، یک نکته

شعله جای بازکردن آن در دهات بود . . .  
 دهقانان بالفعل نیروی مهم تولیدی کشور  
 است . اساس اقتصاد جامعه افغانستان زراعت و  
 مالداري است . ولی در میان دهقانان سموم  
 مذهبی و عنعنات پوسیده قبیلوی و پاتریار-  
 کار و عدم سواد ابتدائی وجههء ممیزه است .  
 باید درین دیوار به اصطلاح عظیم کهن رخنه  
 کرد و جای پای باز نمود . بدون این کار سرنو-  
 شت هر جریانی ولو هر قدر انقلابی باشد ،  
 پوچی است " .

جنگ توده ای طولانی و استراتیژی  
 محاصره شهرها از طریق دهات یگانه راه به  
 پیروزی رساندن انقلابات دموکراتیک نوین  
 در کشورهای تحت سلطه است . ایستادگی در  
 این راه قبل از همه مستلزم پیشبرد فعالیت  
 انقلابی و کار توده ای در میان دهقانان است ،  
 کاریکه یقیناً شاق بودن و پرزحمت بودنش  
 از حوصلهء بسیاری از روشنفکران راحت طلب  
 و آسان طلب بیرون است . ولی رفیق شهید از  
 سخت جانی " دیوار عظیم کهن " به نفی کار و  
 فعالیت در میان دهقانان و به نفی راه جنگ  
 توده ای طولانی نمیرسد . وی بر این راه پای می  
 نهد دوسر نوشت هر کاری سوای آنرا پوچی می  
 خواند .

ولی کم نبودند نیروها و شخصیت  
 ها نیکه ادعای تعقیب راه مائوتسه دون را  
 داشتند . اما در عمل به راههای کشانیده شدند  
 که در حقیقت راه مائوتسه دون نبود . کودتا

گری ( نفی راه جنگ توده ای طولانی ) انحرافی  
 بود که دامن بسیاری از مدعیان دروغین راه مائوت-  
 سه دون را در سالهای پنجاه فرا گرفت . " سرخا "  
 به کودتای سید میر احمد شاه کشانده شد و برای  
 اولین بار نمونهء شرکت یک نیروی منسوب  
 به جریان دموکراتیک نوین در یک کودتا را  
 در عمل نشان داد . در سالهای بعد پس از  
 کودتای ۷ ثور - " رهائی " و " ساما " نیرو هائی  
 بودند که پای شان به کودتاهای مختلف کشانده  
 شد . پس از " ۷ ثور " کودتاگری آنچنان باب روز  
 شد که حتی دامن نیروهای مدعی مبارزه در راه  
 تشکیل حزب کمونیست افغانستان را نیز  
 آلوده ساخت .

در این میان موضعگیری رفیق شهید  
 اگر میاری باز هم نمونه ای از یک موضعگیری انقلابی  
 بی مائوتیستی است . وی به شرکت در کودتای  
 سید میر احمد شاه دعوت شده بود ، اما این دعوت  
 را نپذیرفت . رفیق شهید به فرستادهء کودتا  
 گران گفته بود که :

" من به راه کودتا باور ندارم . کودتا  
 راه اساسی سرنوینی دولت نیست . راهی را که  
 برگزیده اید مورد تأیید من نیست . فقط و فقط  
 از طریق برپائی جنگ توده ای طولانی است که  
 میتوان دولت موجود را به معنی واقعی کلمه سر  
 نگون ساخت و دولت نوین بجای آن به وجود  
 آورد . من نمیتوانم با شما همکاری نمایم " .

یافشاری روی اصولیت راه جنگ توده ای

بقیه در صفحهء بعد



"ندای انقلاب" قرارداد و آن مصافح  
دادن با اپورتونیسیم از یکجانب و ارتجاع و  
امپریالیسم (بشمول سوسیال امپریالیسم) از  
جانب دیگر می باشد.

مبارزه قاطع و تصفیه کن علیه مشی‌ها و  
گرایشات انحرافی، انحلال طلبانه و تسلیم طلبا  
نه ملی - طبقاتی که زیر نام "تحلیل مشخص  
از اوضاع افغانستان"، محدودیتها، ناتوانیها  
و مصلحت های کذائی در واقع در خدمت "مشی  
مصالحه ملی" دولت مزدور کابل و باندهای  
جنایتکار وابسته به امپریالیستهای غربی، قرار  
دارند، همانقدر ضروری و اجتناب ناپذیر می  
باشد که مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شورگ  
دولت مزدور کابل، امپریالیستهای غربی و  
مزدوران آنها درینجا جادار دکه برای حسن  
ختم بر این گفته، لنین تاکید نمائیم:

"بدون مبارزه با اپورتونیسیم نمی  
توان علیه امپریالیسم مبارزه نمود".  
تقاضای ما از تمام رفقا، هواداران و نیز  
منسوبین جنبش شورایی است که با انتقا  
دات و پیشنهادات سازنده، خویش، در شگوف  
ساختن هر چه بیشتر این نشریه مارا یاری و  
همراهی نمایند.

### یا مرگ یا پیروزی!

هیئت تحریریه، ندای انقلاب

ازینکه نتوانستیم مرامنشراتی "ندای انقلاب" را در شماره اول  
انعکاس دهیم، از خوانندگان جریده پوزش می خواهیم.

شد. اما اصولیت انقلابی چیزی نیست که برای  
یک انقلابی مائوئیست اصیل فدای مصالح و منافع  
فردی و حفظ حیات و زندگی شخصی گردد.

### رفقا!

خاطرات رفیق شهیداکرم یاری را  
جاویدان به یاد داشته باشیم. دشمنی کینه توز  
نه وی بارویزیونیسم - دشمنی ایکه بنیاد  
جنبش مارا استوارانه بپا داشت، ایستادگی  
روی مبارزه بخاطر تشکیل حزب کمونیست  
افغانستان، استواری در راه جنگ توده ای  
طولانی و کار در میان دهقانان و نفی مساعدت‌های  
ارتجاعی، امپریالیستی، دروسی اندکه از وی به  
یادگار مانده است. فراگیری استوارانه این  
دروس و پافشاری نظری و عملی روی اصولیت  
انقلابی آنها، کارهایی اندکه موضعگیری انقلابی  
مائوئیستی طالب آن است. با استوار ایستادن  
روی این درسهای انقلابی است که میتوان از روز  
بنیانگذاری سازمان جوانان مترقی و یاد آوری  
خاطرات انقلابی رفیق شهیداکرم یاری تجلیل  
شایسته ای به عمل آورد.

بقیه، صفحه (۳):

دهند، به اعضای تشکیلات، منسوبین جنبش  
کمونیستی و توده های پیشرو نقش مثبتی ایفا  
نمایند.

اینرا با صراحت باید بنویسیم که مبارزه

خیلی دشواری پیش روی سازمان کمونیستهای  
انقلابی افغانستان و نشریه، مرکسزی آن

## استراتژی جنگ خلق

### مضمون طبقاتی جنگ خلق :

فیودالیسم که آماج اصلی انقلاب اند نمی توانند از بدبختی ای که دامنگیر آنهاست رهایی یابند. یقیناً این رهایی بدست نه خواهد آمد مگر با اعمال قهرانقلابی، سرنگونی و داغان کردن ماشین کهنه دولتی و هر آنچه به گونه ای ازین نهاد کهنه حمایت مینماید، چرا که هیچ طبقه ای در طول تاریخ نتوانسته است بدون استفاده از نیروی قهر که پایه آنها قوای مسلح بوجود می آورد به قدرت سیاسی دست یابد. عبارت " قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می آید." فشرده همین حکم تاریخی است. ازینرو نمیتوان بدون موجودیت ارتش خلق آنها تحت رهبری حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست - ما - شوئیست که خود پیش شرط تشکیل چنین ارتش و پیروزی انقلاب می باشد، نظام پوسیده و ارتجاعی موجود را شکست داده درفش پیروز انقلاب ملی - دموکراتیک نوین را به اهتزاز در آورد. لذا برای حل تضاد های موجود این کشور و دست یابی به کامیابی، حزب کمونیست باید با اتکاء به خط م. ل. م. توده هائیرا - متشکل نماید که مستقیماً و در درجه اول با این تضادها دست و گریبان می باشند. این توده ها که نیروی عمده انقلاب ملی - دمو -

با خروج قوای اشغالگر در حدود یک سال و هشت ماه قبل از افغانستان، بار دیگر این کشور بحالت نومستعمره - نیمه فئودا - لی برگشت نمود. دشمنان اصلی خلق های این کشور را سوسیال امپریالیسم شوروی، امپریالیستهای غربی، سرماییداری بروکرات و نیمه فئودالیسم تشکیل میدهند که بصورت دو دسته بندی، یکی با حمایت همه جانبه شوروی عمدتاً شهرها را تحت کنترل داشته و بر آنها مسلط است ( دولت خلق و پرچم و متحدین آنها ) در حالیکه دسته بندی دیگر با حمایت کامل امپریالیستهای غربی، دولت مرتجع چین، ارتجاع عرب و منطقه که در آنها امپریالیسم امریکا قرار دارد، در قالب احزاب ارتجاعی اسلامی و دولت موقت به اصطلاح مجاهدین افغانستان، عمدتاً دهات را تحت کنترل داشته، بالای توده های مردم به شیوه های گوناگون ظلم و ستم روا می دارند، که خود موجودیت سه تضاد اصلی درین کشور را شهادت میدهد: تضاد بین دو دسته بندی امپریالیستی - ارتجاعی، تضاد خلقها با سرماییداری بروکرات و فئودالیسم. ازین رو خلقهای این کشور بدون مبارزه با امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم، سرماییداری بروکرات و



کراتیک نوین می باشند، دهقانان هستند و زمین زاویه است که میتوان با قاطعیت دعا نمود که جنگ خلق در افغانستان یک جنگ دهقانی است که باید تحت رهبری طبقه کارگر و طریق حزبش به پیش برده شود. از آنجائیکه جنگ خلق در افغانستان ماهیت دهقانی داشته و از روستاها شروع و بطرف شهرها پیش روی مینماید ( محاصره شهرها از طریق دهات ) لذا جنگیست توده ای و طولانی که چگونگی شدید جنگ های امپریالیستی نمیتواند ماهیت طولانی بودن آنرا زیر سوال قرار دهد.

جنگ دهقانی تحت رهبری حزب مونیست در افغانستان به این واقعیت تکیه مینماید که بیش از ۷۵٪ جمعیت راددهقانان تشکیل میدهند که در دهات زندگی مینمایند. توده های فقیری هم که در جریان قحطی سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۵۲ و بعداً کودتای ۷ ثور ۱۳۵۱ و متعاقب آن تجاوز ۶ جدی ۱۳۵۸ قوای شغالگرسوسیال امپریالیسم شوروی، به شهرها روی آوردند و یا مجبور به ترک کشور شدند و وجودیکه بخشی از آنها پروسه پرولترونیمه پرولتر شدن را از سر می گذرانند، کماکان تعلقاً رابطه خود را با دهات حفظ نموده اند، زیرا تسلط افکار خرده بورژوازی و داشتن حداقل کیفیت خصوصی و دلبستگی به آن نمیتواند باعث گسست تعلقات آنها با دهات شود، که برای کسب قدرت سیاسی ضرورت تربیت و سازماندهی آنها بر مبنای خط اصولی امپریالیست

مسلم و تخطی ناپذیر. رو آوردن توده های روستائی بعد از تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی، به شهرها و یا مهاجرت شان به خارج از کشور به هیچ صورت ماهیت دهقانی بودن جنگ خلق در افغانستان را مورد سوال قرار نمیدهد ولو در نتیجه مداخلات سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم تغییرات نسبی ای در ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه بوجود آمده باشد، زیرا این تغییرات نسبی ماهیت نیمه مستعمره ( نومستعمره ) - نیمه فئودالی این کشور را برهم نزده است. حتی در صورت تداوم سلطه امپریالیستی که سرمایاداری - بروکراتیک فرصت و زمینه بیشتری می یابد تا هرچه بیشتر سلطه خود را برقرار نماید، باز هم ضرورت انقلاب دموکراتیک نوین و برپائی جنگ خلق به قوت خود باقی میماند و ماهیت دهقانی بودن جنگ خلق زیر سوال نمی رود.

وقتی از برپائی جنگ خلق و ماهیت دهقانی آن صحبت در میان است، بدون طرح انقلاب ارضی و پشتیبانی کامل از مصادره زمین های ملاکین توسط دهقانان فقیر، نمی توان دهقانان را بسوی جنگ خلق کشانید و بسیج نمود. کمونیستهای انقلابی وظیفه دارند با وجود تبلیغات زهرآگین احزاب ارتجاعی اسلامی و متاثر بودن چپ منحرف از این تبلیغات و تقویت این ذهنیت که گویا بقیه در صفحه بعد

ارتجاعی اسلامی در دهات کارد را باستخوان زمین و انقلاب ارضی نیستند، بلکه بخاطر ضدیت و دشمنی با کمونیسم در صف فیودالان قرار دارند (؟) برحقانیت امرفوق (انقلاب ارضی) پافشاری و درین راه مجاهدت نمایند. حقایق انکار ناپذیر نشان میدهند که غریزه طبقاتی دهقانان و بخصوص دهقانان فقیر در افغانستان نیز مثل دهقانان فقیر هر کشور نیمه فئودالی - نومستعمره دیگر، کماکان آنها را ترغیب برای گرفتن زمین مینماید. ازینرو بدون برافراشتن انقلاب ارضی بمثابه نیروی قدرتمندی نمیتوان حمایت کامل دهقانان را برای پیشبرد مبارزه طبقاتی که در مرکز آن جنگ خلق قرار دارد، جلب نمود.

مهمتر از اینها، آنچه از اهمیت اساسی و درجه اول برخوردار می باشد این مطلب است که بدون پیشبرد امر انقلاب ارضی، مصادره زمین ملاکین توسط دهقانان فقیر و واگذاری زمین به آنها نمیتوان سرنگونی عمیق و ریشه ای نیمه فئودالیسم را به پایان رساند. به عبارت دیگر طرح و عدم طرح انقلاب ارضی و واگذاری زمین های مصادره شده به دهقانان در واقع در آخرین تحلیل مفهومی جز سرنگونی و عدم سرنگونی نیمه فئودالیسم نخواهد داشت.

در شرایطی که استبداد چند لایه سوسیال امپریالیستی، امپریالیستی و نوکران آنها، بخصوص استبداد لگام گسیخته احزاب

ارتجاعی اسلامی در دهات کارد را باستخوان توده ها رسانیده است، از طریق موافقت و همراهی با آنگونه فعالیتهاست که هیچگونه تخاصم طبقاتی توده ها را علیه مرتجعین رنگارنگ تعمیق و تشدید نکند، نمیتوان به موفقیت های درخشانی در مبارزه انقلابی دست یافت. چنانچه تجربه یازده ساله فعالیت پوششی (حرکت کردن زیر پرچم این یا آن حزب ارتجاعی اسلامی، تبلیغ اسلام مبارز و رادیکال، پیشبرد فعالیت جبهوی بدون تکیه بر استقلال ایدئولوژیک - سیاسی و متمایز ساختن خویش از دیگران، بردن پروژه های امپریالیستی به اصطلاح خیریه به امید کمک به توده ها و رهنمائی شان بر اساس چینیسم رشوت هائی و...) که رهبران چپ منحرف مبتکرین آن بوده اند. نشان میدهد که دنباله روی و عدم قاطعیت در مبارزه، نتایجی جز سر خوردگی، ناامیدی و روحیه باختگی و خوابا - نیدن روحیه سلحشورانه، دهاقین و ترغیب آنها به تمکین در برابر وضعیت رقتبار موجود نداشته است. با این شیوه های فعالیت در میان توده ها نمیتوان به آنها، بخصوص دهاقین فقیر، روحیه اعتماد به نفس را بوجود آورده و حس قضاوت را در آنها بیدار نمود تا آنها بتوانند بر تفرقه و پراگندگی و پیشداوری ها فایق آمده بجای دنباله روی از احزاب ارتجاعی اسلامی بسوی انضباط پذیری سوق یابند.

شیوه فعالیت دنباله روانه، اکنون -

هیستی و پاسیفیستی رایج نمیتواند به توده‌ها این امکان را فراهم نماید تا به این نکته مهم و با ارزش متوجه شوند که دست یافتن به سرنوشت خودشان نتنها مستلزم سهمگیری فعال آنها در نشان دادن راه‌های عملی برای دیگرگون ساختن وضعیت موجودشان میباشد بلکه ضرورت پیش برد فعالیت عملی آنها را تحت رهبری حزب کمونیست نیز لازمی میسازد. فعالیت پوششی که بعد از خروج قوای اشغالگر بصورت طرح‌های برگزاری انتخاباتی تحت نظارت " سازمان دول متحد"، ایجاد دولتی با قاعده وسیع، ظاهر شاه بهتر از نجیب و احزاب بنیادگرای اخوانی، دیگر مردم از جنگ خسته شده اند و باید به آنها حق داده شود تا از طرق سیاسی سرنوشت خود را تعیین نمایند و ۰۰۰ زمزمه میشود با این اصل لنینی که "جنگ ادامه سیاست با ابزار قهر میباشد" در تخالف بوده، بجای حرکت دادن توده‌های مردم در جهت مبارزه با امپریا-لیسم، سرمایه‌داری بروکرات و نیمه فئودالیسم آنها را بسوی سازش و تسلیم طلبی سوق میدهد. ازینرو ما با چنین طرز فکر و فعالیتی بعنوان طرز فکر و فعالیت اپورتونیستی- رویزیونیستی که با موضعگیری‌های گورباچف و تنگ سیائوپینگ مطابقت دارد می‌نگریم.

ما معتقدیم که برای تبدیل نمودن خشم انقلابی توده‌ها از قوه به فعل و زدودن توهمات عدیده‌ای که به آنها تلقین شده است، ضرورت به راه انداختن جدی‌ترین شیوه‌های مبارزه امری

است لازمی و اجتناب ناپذیر. بهمین خاطر است که سازمان کمونیست‌های انقلابی افغانستان در اعلام مواضع خویش روی برافراشتن درفش مستقل پرولتری، برپائی جنگ خلق و ایجاد پایگاه‌های انقلابی تاکید نموده و آنرا یگانه راه و مسأله به مقصد میداند. به عبارتی دیگر طرح مسأله قدرت سیاسی در بین ده‌ها قین فقیر و سایر توده‌های مردم، حادثه‌ترین و عالی‌ترین شکل مبارزه طبقاتی و تشکیلات منضبط را خواستار است.

هکذا ما معتقدیم که جنگ خلق زمینه‌های رشد انقلاب، ایدئولوژی و سیاست مائوئیستی را در جامعه بوجود می‌آورد. در جریان چنین جنگی توده‌ها بقدت و ابتکارات خود پی برده و در خلال برخورد با مشکلات و فرازونشیب انقلاب و پیچیدگی‌های آن برای دیگرگون ساختن مناسب‌تر غیر عادلانه و ظالمانه موجود در جامعه، بسه تمرین قدرت سیاسی می‌پردازند. به عبارتی دیگر راه‌های حاکم شدن بر سرنوشت خود را فرا گرفته و برای نخستین بار بمثابه صاحبان واقعی جامعه تبارز مینمایند.

## اوضاع سیاسی - اجتماعی افغانستان

### بعد از خروج قوای متجاوز

شناخت درست از اوضاع سیاسی-

اجتماعی کشور و موضعگیری‌های روشن در قبالش مطلبیست که برای برپائی و پیشبرد موفقانه جنگ خلق از اهمیت اساسی برخوردار بوده و بقیه در صفحه ۴ بعد

- تیک طراز نوین در کشور گامی به جلو گذاشته نشد.

با بیرون رفتن قوای اشغالگرو شدت یافتن مداخلات امپریالیستهای غربی، ارتجاع عرب و منطقه تحت سیادت امپریالیسم آمریکا شرایط تازه‌ای بوجود آمده است که بهیچ صورت با شرایط دوران موجودیت قوای اشغالگریکسان نیست. در چنین شرایطی (شرایط بعد از خروج قوای اشغالگر) در افغانستان مراکز متعدد قدرت بوجود آمده است که مهمترین آن‌ها دولت مزدور سوسیال امپریالیسم شوروی و دسته‌بندی احزاب بزرگ ارتجاعی اسلامی در وجود حکومت به اصطلاح موقت مجاهدین می‌باشد که یکی در شهرها و دیگری در دهات و در میان مهاجرین تسلط دارند، یعنی عملاً دیگر افغانستان به واحدهای مختلفی که در آن‌ها نیروهای گوناگون تسلط دارند تقسیم شده است. این نکته را باید متوجه بود که بیش از ۷۵٪ از خاک افغانستان (دهات، علاقه‌داری‌ها و ولسواک‌ها) نیهای متعدد و برخی شهرها) با بیش از ۷۰٪ جمعیت کشور تحت کنترل همین احزاب ارتجاعی - اسلامی قرار دارد. هکذا تسلط این احزاب بالای پنج میلیون پناهندگان افغانی در ایران و پاکستان نیز بر هیچکس پوشیده نیست. در چنین شرایطی نمیتوان از موجودیت جنگ آزادیبخش ملی صحبتی بمیان آورد، آنهم به این دلیل خیلی‌ها روشن که دیگر ارتش اشغالگر از کشور خارج شده و نیروها نیکه با هم عملاً در

خط اصولی نمیتواند آنرا نادیده انگارد. اگر به جایگاه سیاسی - اجتماعی افغانستان بعد از تجاوز مسلحانه ۷ ششم جدی ۱۳۵۸ سوسیال امپریالیسم شوروی نظر انداخته شود، میتوان تخمین جایگاه این کشور را از حالت نیمه مستعمره - نیمه فئودالی بحالت مستعمره - نیمه فئودالی شاهد بود که مطابق به بینش مائوئیستی ضرورت پیشبرد مبارزه هم‌جانبه برای بیرون راندن قوای اشغالگر را در دستور روز قرار میداد. این ضرورت (بیرون راندن قوای اشغالگر) ایجاب مینمود که با برپایی جنگ آزا دیبخش ملی و بوجود آمدن جبهه متحد ملی لا اقل همراه با برخی از جناح‌های مخالف سوسیال امپریالیسم شوروی، ضربات کوبنده‌ای بر پیکر اشغالگران و دولت مزدورشان وارد گردد. متأسفانه این ضرورت تاریخی بنا بر عدم موجودیت شرایط مساعد ذهنی حقیقتاً انقلابی یعنی نبودن حزب کمونیست و خط اصولی از یک طرف و تسلط خطوط تسلیم طلبانه و اکونومیستی - رویزیونیستی بر تشکلات مدعی انقلاب از طرف دیگر، برآورده نگردیده این مسئله - در پهلوی مسایل دیگر - باعث گردید تا زمینه‌های مساعد برای احزاب ارتجاعی - اسلامی فراهم شود که بتوانند بر جنبش مقاومت مسلط گردند. در نتیجه مقاومت حماسی ده ساله دستاورد قابل ملاحظه‌ای برای مردم مابار نیآورده و در جهت حل و فصل مسایل اساسی مربوط به انقلاب ملی - دموکراتیک

جنگ درگیر هستند نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیستهای غربی و سوسیال امپریالیسم شوروی بوده و جنگی را که پیش میبرند چیزی جز جنگ ارتجاعی و غیر عادلانه نمی باشد. هکذا اگر بدو طرف نیروهای درگیر اصلی عمیق شویم دیده میشود که در دو طرف این جنگ هیچگونه تبارز ضد امپریالیستی و دفاع از منافع توده ها دیده نمیشود. لذا نمیتوان پای آن طرحی صحه گذاشت که میشد در زمان موجودیت قوای اشغالگر علمش نمود یعنی متحد کردن عموم طبقات و اقشار جامعه غرضی باشد.

با این هم از آنجائیکه هیچ راه دیگری جز همین راه پرمخاطره و دشوار برای برپائی جنگ خلق وجود ندارد، کمونیست ها وظیفه خود را در پرمخاطره و دشوار مدارا پشت سرگذارند.

اما در پهلوی این دشواری واقعی، مسا- عدتهای نیز وجود دارند که نمیتوان آنها را نادیده انگاشت که میتوان به برخی از آنها اشاره نمود:

۱- با وجود برجسته شدن روند تباری در مناسبات سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیستهای غربی برهبری امپریالیسم امریکا هنوز این مسئله که آنها بتوانند پیرامون حل به اصطلاح قضیه افغانستان (موافقه بر سرچاپائی بقیه در صفحه بعد

علیه این دشمن عمده. اکنون در برابر مردم افغانستان نه قوای اشغالگر، بلکه دو دولت مستبد و خونخوار که هر دو آله دست امپریالیستهای شوروی و روسی هستند، در برابر این تومم دچار شد که صرف دشمن در شهرها کنترول داشته و سراسر دهات افغانستان مناطقی زادی اند که میتوان در هر آنجائیکه مایل بود، براه انداختن جنگ های چریکی که با تبلیغات وسیع میتواند همراه باشد، زمینه های مساعدی برای برپائی جنگ خلق و ایجاد پایگاه نافرهم نمود.

همانطوریکه در بالا شرح داده شد وضعیت نیروهای سیاسی در افغانستان به گونه ایست که اگر در شهرها دولت مزدور روسها کنترول دارند، کنترول احزاب ارتجاعی اسلامی در دهات

نتوانند در لشکرکشی‌ها علیه دشمن مشترک‌شان جز موارد معدودی همدیگر را همراهی نمایند که یقیناً در آینده نیز این احتمال که آنها در مقابله علیه نیروی انقلاب همدیگر را کاملاً همراهی نمایند، بسیار ضعیف خواهد بود.

### تدارك جنگ خلق :

بحث‌های بالا ما را به این‌جا رهنمائی مینماید که به موضوع جنگ خلق و ایجاد پایگاه‌های سرخ من‌حیث يك اصل مهم غیرقابل انصراف توجه نمائیم زیرا بدون حرکت درین راستا حتی تصور کسب قدرت سیاسی توسط انقلابیون چیز مسخره‌ای از آب در خواهد آمد. با وجودیکه این رهنمائی حیثیت روشن نمودن خط ما را دارد ولی مادامیکه از محدوده موضوع گیری‌های صرف تنوریك بالاتر نروند نمیتوانند نتیجه‌ای در عمل ببار آورد. روشن بودن خط بخودی خود نمیتواند کاری را انجام دهد. خط باید از طریق ساختارهای تشکیلاتی شکل مشخص بخود بگیرد. بنا بر موضوع مهم دیگر همانا چگونگی طرح بکار بست درست خط در عمل توسط ساختارهای مشخص تشکیلاتی می باشد. بعبارت دیگر برپائی و پیشبرد جنگ خلق مستلزم فعالیت تدارکی می باشد. برای اینکه بتوانیم با وضاحت هرچه بیشتر جوانب مختلف این تدارك روشنی‌اندازیم بهتر است بحث پیرامون آنرا به بخشی‌های مختلف

مشترك این کشور) با هم به موافقه برسند، حل نشده و احتمالاً زمان بیشتری ضرورت خواهد بود، زیرا در پهلوی توافقات آنها، قضایای دیگری نیز دخالت دارند که حل دلخواه را برای امپریالیست‌ها دشوار می‌سازد. یکی از این دشواری‌ها که مساعدتی برای انقلابیون محسوب میگردد همانا موجودیت اختلافات بین جناح‌های مختلف احزاب اسلامی می‌باشد. این احزاب نیز مانند جناح‌های خلق و پرچم نخواهند توانست اختلافات خود را آنطوری حل کرده و با هم متحد شوند که خواست امپریالیست‌ها و سوسیال‌امپریالیست‌ها می‌باشد.

۲- ترکیب احزاب ارتجاعی اسلامی به گونه‌ای است که یکی عمدتاً پشتون‌ها، دیگری تاجیک‌ها و ازبک‌ها و بخش دیگر هزاره‌ها را در بر می‌گیرد که بازه‌ریک ازین بخشها بنا بر اختلافات عدیده، قومی، محلی، منطوقی، لسانی، مذهبی و غیره با هم آنچنان دشمنی می‌ورزند که باعث به راه افتیدن جنگ‌های شدید میان آنها میگردد.

۳- درجه نفوذ این احزاب در مناطق مختلف نیز فرق میکند. اگر در برخی مناطق تسلط مستحکم داشته باشند، در مناطق دیگری تسلطشان شکننده بوده و بعد از ضربه خوردن نخواهند توانست به زودی خود را دوباره بسیج نمایند.

۴- اختلافات میان احزاب ارتجاعی اسلامی باعث شده است که آنها در گذشته

تقسیم نمائیم :

الف : مبارزه در راه ایجاد حزب کمونیست  
بخشی از تدارك جنگ خـلـق :  
از زمان تشکیل اولین نهاد کمونیستی —  
سازمان جوانان مترقی — ۲۶ سال سپری می  
شود . نتنها تجارب این ۲۶ سال بلکه تجارب  
جنبش کمونیستی در کشورهای دیگر نیز بیان  
گر این حقیقت است که بدون موجودیت یک  
خط اصولی و یک حزب کمونیست اصیل فرایند  
هر مبارزه و مقاومتی ولو با جانبازی و قهرمانی  
همراه باشد، جز شکست و سرخوردگی نخواهد  
بود . حقانیت این ادعا را نه تنها در کشور  
خویش بلکه در فلیپین ، کردستان ایران و جا  
های دیگر نیز میتوان مشاهده نمود . چنانچه  
حزب کمونیست فلیپین با وجود داشتن تجربه  
۲۰ سال مبارزه ، مسلحانه و ارتش و مسلط بودن  
بر بخش قابل ملاحظه ای از خاک فلیپین به جای  
حرکت در جهت استقرار حاکمیت خلقی در  
روستاها و ایجاد پایه های دولت نوین ، به فکر  
امتیازگیری بوده و از نیروی مسلح خویش  
منحیث عامل فشار استفاده مینماید .  
به همین ترتیب کومله در کردستان ایران  
از آنجائی نتوانست جنگ را با کامیابی به جلو  
برده که همانند حزب کمونیست فلیپین هدف  
خود را نه پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین ،  
بلکه دست یافتن به خودمختاری محدود و  
کسب امتیازات ناچیز تعیین نموده بود .  
افغانستان بدترین مثال درین مورد

می باشد، زیرا خطوط انحرافی و رویزیونیستی  
با زیر پا گذاشتن مهمترین موازین کمونیسم به  
دنباله رواج حزب ارتجاعی اسلامی مبدل شدند .  
متاسفانه هیچ بخش از جریان دموکراتیک نوین  
جرئت نکرد شرکت در جنگ را با درفش مستقل  
پرولتری و استقلال ایدئولوژیک و تشکیلاتی  
خویش بی اغازد . خط انحرافی راست با عـث  
شد تا ضربات مهلکی بر پیکر این جنبش وارد  
آمده و نقش این جنبش عظیم را بخصوص در  
عرصه فعالیتها و مبارزات مسلحانه تقریباً  
ضرب صفر نماید .

برعکس خلق پیرو از آنجائی که کامیابی  
های درخشانی دست یابد که چون حزب  
کمونیست مارکسیست - لنینیست - مائوئیست ،  
پیرو پیشوا دارد که با اخلاقیات و ابتکار تمام در  
راه پیاده کردن خط مائوئیستی مجاهدت می  
نماید . موفقیتهای حزب کمونیست پیرو در  
پیشبرد جنگ خلق امید فراوانی در دل پرولتار -  
یا و خلق های جهان بوجود آورده است .

ازینرو میباید بموجودیت یک حزب  
کمونیست متکی بر خط اصولی کمونیستی منحیث  
یکی از مهمترین پیش شرط برای برپائی جنگ  
خلق تاکید نمود . تکیه روی این مسئله در  
مخالفت با آن ایده های رویزیونیستی قرار می  
گیرد که مدعی اند میتوان بدون حزب عمل نمود .  
ما نظریات و تئوری هائیرا که میخواهد باتکیه  
به جبهه " انقلاب " کند ضد مارکسیسم میدانیم .

بقیه در صفحه بعد

تاکید روی پیش شرط موجودیت حزب برای برپائی جنگ خلق نه تنها ضرورت دست زدن به فعالیتهای مسلحانه را قبل از تشکیل چنین حزبی منتفی نمیداند بلکه حتمی بودن آنرا نیز نشان میدهد، بخصوص شرایط موجود کشور ما ( موجودیت دسته های مسلح در سراسر کشور ) حکم مینماید که اگر نخواهیم پیوند با توده ها بخصوص در دهات قطع گردد و مقدم بر آن اگر نخواهیم حیثیت يك نیروی غیرفعال را داشته و حتی فاقد تشکیلات در دهات باشیم باید قدرت دفاع از خود را داشته و فعالیتهای تشکیلاتی و توده ای خود را در پیوند با فعالیت های نظامی به پیش بریم .

ب : فعالیت در بین توده ها بخصوص

دهاقین فقیهین ————— ر :

از آنجائیکه بیش از ۷۵٪ از جمعیت کشور را اهالی روستاها تشکیل میدهد، لذا روستاها برای برپائی جنگ خلق اهمیت کلیدی مییابد ولی در پهلوی روستاها اهمیت فعالیت در بین پنج میلیون مهاجریکه در دو کشور ایران و پاکستان در بدترین وضعی زندگی مینمایند نمیتواند از اهمیت جدی برخوردار نباشد .

فعالیت در شهرها و جلب حمایت توده های شهری ( کارگران ، خرده بورژوازی ، دانش آموزان ، استادان مکاتب و دانشگاه ها ، کارمندان پائین رتبه و بورژوازی متوسط ) مستقیماً به چگونگی پیشبرد مبارزه در روستاها بسته مخصوص جنگ خلق وابسته می باشد و جنگ خلق

نیز نمیتواند موفقانه به جلو برود مگر اینک سه عمدتاً دهاقین فقیر حاضر به پیشبرد آن باشند اگر جنگ خلق نمیتواند بدون آمادگی روز افزون دهاقین فقیر بحمايت از آن و شرکت در آن برپا گردیده و به پیش برود، پس ضروری است تاراه های جلب حمایت آنها و متشکل نمودن شان دانسته شده و به آن عمل شود .

برای جلب حمایت دهاقین فقیر میتوان به سه اصل : " زندگی با دهقانان فقیر ، مبارزه مشترک با دهقانان فقیر و کار با دهقانان فقیر " که رفقای حزب کمونیست پیرو با کار بستن خلاق آنها اعتماد عمیق دهقانان فقیر را جلب نموده تکیه کرد .

متأسفانه درین مورد نیز در کشور ما بجای تکیه روی سه اصل فوق ، به ملاکین ، متنفذین محلی ، ارباب ها ، ملاها و قوماندانها تکیه شده و سعی به عمل آمده است — و به عمل می آید — تا از طریق بردن " کمک " های کمیته های امپریالیستی به مناطق روستائی که خود با پلانهای " سازمان دول متحد " که صدرالدین آقاخان مسئول پیشبرد آن میباشد مطابقت دارد، و دادن رشوت های گزاف دل آنها بدست آید ؟ ! . . .

پیشبرد موفقانه سه اصل " زندگی با دهاقین فقیر ، مبارزه مشترک با دهاقین فقیر و کار با دهاقین فقیر " فراهم نمودن زمینه های مساعد برپائی جنگ خلق مستلزم بکار بستن رهنمود های زیر می باشد :



## ۱ - تبلیغ و ترویج :

لازم است تا بار دیگر روی این مسئله تاکید شود که پیشبرد هرگونه فعالیت مبارزاتی در روستاها بدون پیوند با فعالیت های نظامی نمیتواند نتایج عالی ای در بر داشته باشد. ازینرو تبلیغ و ترویجی که ما از آن نام میبریم آن شکلی از تبلیغ و ترویج است که با فعالیت های نظامی در پیوند می باشد.

منظور از تر ویج اشاعه آیده هائی میباشد که هدف رانشان میدهد، در حالیکه منظور از تبلیغ استفاده از مسایل مشخص اندک میتوان با علم کردن آنها توده ها را مبارزه و شرکت در تدارک برای برپائی جنگ خلق جلب نمود. مثلاً با از بین بردن یک متنفذ محلی که در رابطه با "مشی مصالحه ملی" به نفع دولت کابل در منطقه مورد نظر مفعال میباشد، میتوان خوشنودی و اعتماد توده های فقیر روستائی را جلب نمود. بهمین ترتیب با سهمگیری فعال در جمع آوری و درو گندم و ... عده ای از دهاقین فقیر بصورت دسته جمعی (گروپ های ۵ تا ۱۰ نفر) با برافراشتن یک پرچم بزرگ که در آن شمار متحد شدن دهاقین فقیر و ماندن آن درج می باشد، میتوان بیش از پیش اعتماد آنها را جلب نمود. ده هاموردی وجود دارد که میتوان هم دست به تبلیغ زدو هم فعالیت ترویجی را اجرا نمود.

توجه جدی به این مسئله (تبلیغ و ترویج) از آنرو ضروری است که این فعالیت نسه

صرفاً در مرحله تدارک بلکه طی مراحل دیگر نیز ضروری میباشد. پیشبرد منظم این فعالیت تخم انقلاب، جنگ خلق، سیاست و ایدئولوژی انقلابی را در بین توده ها افشاند و بارورش میسازد. هکذا با پیشبرد این فعالیت میتوان هرچه عمیقتر و پائینترین بخش توده ها دست یافت که بیش از ۹۹٪ آنها خواندن و نوشتن نمی دانند ولی با وجود آن استعداد و اهلیت آنرا دارند که انقلاب را به پیش برده بر سر نوشت، خویش حاکم شوند. حقانیت این ادعای مارانه تنها انقلاب چین بلکه همین حالا جنگ پیروز مند دهاقین فقیر پیروئی تحت رهبری حزب کمونیست آن کشور نیز نشان میدهد.

## ۲ - فعالیت های مستقل نظامی :

از توضیحاتیکه تا هنوز داده شد برمی آید که جنگ خلق چیزی نیست که بتواند سمارق وار در یک شب بارانی روئیده و همه جاگیر شود. با کوششهای فراوان و قبول مشکلات جدی که در پیشروی ماقرار خواهد داشت میتوان مرحله تدارک را موفقانه پشت سر گذاشته به مرحله آغاز جنگ خلق داخل شویم.

برای پیشبرد موفقانه مرحله تدارک علاوه بر مبارزه در راه ایجاد حزب کمونیست، رفتن در بین توده ها و پیشبرد فعالانه تبلیغ و ترویج، باید بجای تن دادن به فعالیت های نظامی پوششی، بصورت کارمند و مجاهد جمعیت اسلامی، حزب اسلامی، اتحاد مجاهدین، حرکت بقیه در صفحه بعد

راروی آنها معطوف سازیم، در حالیکه بعد از برپائی جنگ خلق باید همه چیز در خدمت پیشبرد جنگ خلق قرار بگیرد و جنگ محور تمامی فعالیت های مبارزاتی باشد.

۳) فعالیت های نظامی مورد ضرورت فعلی از آنجائی برای ما آغاز جنگ خلق محسوب نمیگردد که هنوز با درفش مستقل حزب کمونیست همراه نیست و هنوز حزب کمونیست وجود ندارد. شروع فعالیت های ابتدائی نظامی در کشورهای دیگر - که حزب آنرا براه میاندازد - آغاز جنگ خلق محسوب میگردد، ولی در کشور ما که بیشتر از یک دهه است در آن جنگ جریان دارد، موجودیت و یا شروع فعالیت های نظامی ابتدائی مورد ضرورت فعلی نمیتواند ضرورت موجودیت و یا شروع جنگ خلق محسوب گردد.

ج : کار منظم سازمانی و اهمیت آن در

امرتدارك جنگ خلق :

هم برای پیشبرد مبارزه، فعال در راه به وجود آوردن حزب کمونیست و هم برای پیشبرد فعالیت در بین توده ها بمنظور تدارك جنگ خلق موجودیت آن چنان سازمان ماقبل حزبی ضرور است که صلاحیت رهبری و پیشبرد این وظایف را داشته باشد. زیرا وقتی از تسد ارأی برای جنگ خلق صحبت میشود دیگر نمیتوان برای موضوعات حل طلب به توضیحات صرف تعوريك اکتفا نمود. بعبارۀ دیگر برای پیشبرد کار منظم سازمانی در مرحله تدارك نیابید در

انقلاب اسلامی، حرکت اسلامی، محاذ ملی اسلامی و ۰۰۰ که نفعش به جیب امپریالیست ها و عمال آنها سرازیر میشود روی آنگونه فعالیت های نظامی ایستادگی شود که فقط در خدمت پرولتاریا و خلق ها میتواند قرار گیرد.

ما به این عقیده ایم که برای پیشبرد موفقانه، تبلیغ و ترویج، فعالیت های مستقل نظامی يك ضرورت جدی تلقی میشود که به اشکال مختلفی چون خرابکاری، اعدام های انقلابی، عملیات مصادرویی و جنگ های چریکی و پارتیزانی تبارز می یابند.

درینجا لازم است توضیح دهیم که :

۱) وضعیت موجود کشور ما به گونه ای است که هم در روستاها نیروهای مسلح موجود اند و هم در شهرها، جنگ هم در روستاها وجود دارد و هم در شهرها و آنهم به پیمانۀ وسیع. لذا انعکاس فعالیت های نظامی تدارکاتی نمی تواند اهمیت داشته باشد و ما نمیتوانیم به این فکر صحنه گذاریم که به مجرد براه انداختن يك عملیات کوچک باید آنرا هر چه وسیعتر انعکاس داد. زیرا چنین طرز فکری بجای اینکه بحال ما مفید باشد بیشتر به دشمنان ما هوشدار میدهد.

۲) مادر شرایط فعلی بخش عمده وظایف خود را مبارزه برای تشکیل حزب کمونیست میدانیم که در يك بعد خویش مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی میباشد و در بعد دیگر خود مبارزه در راه ساختن تشکیلات، اجرای این وظایف ما را ناگزیر میسازد تا بخش عمده نیرو و فکر خود

بین منسوبین جریان دموکراتیک نوین نظریات نادرستی مبنی بر تعیین کننده بودن نقش سلاح وجود دارد. برعکس مابه این عقیده ایم که کلید مسئله در پیشبرد موفقانه جنگ، خلق آماده بودن اذهان است. بنابه گفته رفیق گونزالو " اگر اذهان را مسلح کنیم، دست هارا مسلح کرده ایم " . ولی این بدان معنی نیست که سلاح اهمیت ندارد. مهمترین نکته که باید رویش تکیه نمائیم آنست که انسان تعیین کننده است، اسلحه هم لازم است ولی اسلحه نمیتواند تصمیم بگیرد.

ما میتوانیم به اشکال مختلف که مهمترین شکلش همانا مصادره و به غنیمت گرفتن سلاحها و مهمات دشمن میباشد تکیه نمائیم. بهر حال بدست آوردن اسلحه در شرایط موجود جامعه افغانستان مشکل چندان بزرگی نیست بشرط آنکه یک تشکیلات منضبط و منسجم و فعال وجود داشته باشد.

در پهلوی مصادره، سلاحها و مهمات دشمن باید روی آموختن فن ترمیم و ساختن بسیاری از سلاحها و مهماتیکه همه روزه مورد ضرورت اند پافشاری و بر آن تکیه نمود تا بتوانیم هر چه بیشتر متکی بخود شویم. ما میتوانیم یک بخش از سلاحهای دست ساز و مهمات جنگی را از مواد موجود در منطقه مثل سلاحهای تخریب شده سنگین و... تهیه نمائیم.

بقیه در صفحه بعد

محدوده، تعریف و تشکیل حلقات آموزشی اکتفا شود. ازینرو درخواست ما از منسوبین جنبش نوین کمونیستی بخصوص بخشهای شامل در کمیته، انسجام و وحدت اینست که آنها می باید بمبارزه، وحدت طلبانه، خودجان تار، بدمند و با دفاع متقابل از همدیگروه همکاری متقابل. بل با همدیگر بخصوص با دفاع از سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان و اعلام مواضعش هر چه بیشتر فعالیت های خود را در راه سازماندهی بهتر و عالیتر، منظمتر و منسجم تر سازند، تا بتوانیم همه با هم و متحدانه مبارزه، تدارکی خوبشرا موفقانه به انجم رسانیده جنگ خلق را بیاغازیم.

د: تعلیمات نظامی و مطالعه

قانونمندی های جنگ:

علاوه بر مسایل طرح شده در مباحث قبلی پیرامون تدارک جنگ خلق، فراگیری تعلیمات نظامی و مطالعه قانونمندی های جنگ و درک این قانونمندی ها خود یک ضرورت جدی میباشد که نمیتوان به آن در بیرون از عرصه مبارزه، مسلحانه و جریان جنگ دست رسی در خورتوجهی پیدا کرد. با آنهم مطالعه دقیق آثار گوناگون متعلق به جنگ و قانونمندی های آن برای پیشبرد بهتر در جنگ خلق تنها مفید بلکه یک ضرورت نیز می باشد. هکذا بحث بر سر چگونگی دستیابی به سلاحها و مهمات نظامی مورد نیاز جنگ خلق را درینجا زائد نمیدانیم. زیرا درینمورد نیز در

## آغاز جنگ خلق

با آغاز جنگ خلق حزب کمونیست وارد مرحله دفاع استراتیژیک میشود و وقتی ممکن است که حزب توانسته باشد مرحله تدارک را با موفقیت پشت سرگذارد، یعنی با پشت سرگذاشتن مبارزات تدارکاتی است که می توان وارد مرحله دفاع استراتیژیک شد. لذا مبارزه تدارکاتی برای برپائی جنگ خلق شامل مرحله دفاع استراتیژیک نمیشود و نباید فعالیت در مرحله تدارک را با آغاز جنگ خلق عوضی گرفت.

فعالیت نظامی کمونیستها در مرحله تدارک برای برپائی جنگ خلق که عمدتاً به صورت مخفی پیشبرده میشود شامل تبلیغ و ترویج مسلحانه، خرابکاری، اعدامهای انقلابی، جنگهای چریکی و آموزشهای تئوریک و عملی نظامی میشود، ولی منظور از پیشبرد هیچیک ازین فعالیتها ایجاد تقابل و روبروئی آشکار با دشمن نبوده بلکه کوشش میشود با پیشبرد اشکال مختلف مبارزه حمایه هرچه بیشتر پیشگامان توده هارا جلب نموده با وسیع و وسیعتر ساختن عرصه فعالیت و مبارزه خط حزب را برای توده های روستائی بخصوص دهاقین فقیر شناساند. اگر دشمنان فعالیت کمونیستهای کشور را در مرحله تدارک جدی تلقی نکرده و به این فکر باشند که کمونیست

ها در بین مردم افغانستان نمیتوانند جایگاهی پیدا نمایند، بعد از اینکه حزب کمونیست مرحله تدارک را پشت سر گذاشته و جنگ خلق را آغاز نماید، نیروهای ارتجاعی مسلح آرامنه نشسته علیه آن به عملیات محاصره و سرکوب دست خواهند زد، زیرا در مقابل خود یک خطر جدی را مشاهده مینمایند که میخواهد به هستی آنها خاتمه دهد.

گرچه مبارزه مسلحانه حزب کمونیست درین مرحله شکل دفاعی میداشته باشد ولی این دفاع، دفاع فعال است زیرا حزب نمی تواند در برابر محاصره و سرکوب دشمنانش به دفاع غیرفعال بسنده کند. جنگ بصورت متناوب و از حالت تعرض به تعرض خواهد شد.

همانطوریکه در مبحث اول توضیح دادیم تا زمانیکه حزب کمونیست وجود نداشته باشد، نمیتوان از آغاز جنگ خلق صحبتی در میان آورد. ازین رو وظیفه عمده در مرحله دفاع استراتیژیک در رابطه با حزب نه ایجاد آن بلکه تقویت، استحکام و گسترش آن منحصراً ستاد رهبری کننده جنگ خلق می باشد.

وقتی از مرحله دفاع استراتیژیک صحبت میشود لازم است تمام وظایف این مرحله و اینکه چطور میتوان آنها را اجرا نمود بدرستی ارزیابی و مشخص شوند.

اولین مسئله در مقابل حزب آن است که قوای خود را از ضربات خور دکننده ای که باعث

ضربه خوردن و حتی انهدامش میشود حفظ نما. بید. لازمه حفظ نیروها آن است که پیوسته راه های تقویت و گسترش آنها سراغ شود. درک - این قانون حزب را از حالت دفاع غیرفعال بیرون کشیده به رزمندگی و تحرکش میافزاید. دومین مسئله: به نمایش گذاشتن صف مستقل نیروهایش در میدان جنگ میباشد و این ممکن نیست مگر از طریق ایجاد پایگاه های سرخ و ارتش چریکی خلق، یعنی حفظ نیروها و گسترش آن از یک طرف برپائی و تداوم صف مستقل پرولتاریا در میدان جنگ را ایجاب می کند و از طرف دیگر تداوم صف مستقل پرولتاریا و تقویت قوای جنگی حزب بدون ایجاد پایگاه های سرخ ممکن نیست و پایگاه های سرخ نیز نمیتواند بدون موجودیت ارتش چریکی خلق، تقویت و گسترش روزافزون آن به موجودیت خود ادامه دهد. ازینرو نمیتوان با مبارزه - مسلحانه ای که دسته های چریکی و پارتیزانی انجام میدهند از مرحله دفاع استراتژییک وارد مرحله تعادل استراتژییک شد. حتی با موجودیت معدودی از پایگاه های سرخ و ارتش چریکی ضعیف نیز گذر ممکن نخواهد بود. لذا ما مرحله دفاع استراتژییک را یکی از مهمترین مراحل طولانی جنگ خلق بشمار می آوریم.

سومین مسئله: از همان اولین لحظات برپائی جنگ خلق، حزب کمونیست وظیفه دارد مبارزه در راه سرنگونی عمده تریسن

مظاهر جامعه، کهن را وظیفه، تخطی ناپذیر خود قرار دهد و در هر آنجا تکیه حاکمیت مر - تجعین را در هم میکوبد بلافاصله با برپائی حاکمیت خلق، پایه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نوین را پایه ریزی نماید و لو این حاکمیت برپا شده در منطقه - مفروض نتواند مدت زیادی دوام آورد. زیرا نمیتوان ازین موضعگیری حرکت نمود کسه منطقه مفروض که در آن پایگاه سرخ اعماری گردد هیچگاه از چنگال حزب و نیروهای مسلح وی خارج نمیشود. مفهوم " دشمن تعرض می نماید ما عقب نشینی میکنیم. وقتی دشمن تشبیت شد ما وی را به ستوه می آوریم، وقتی دشمن فرسوده شد ما تعرض مینمائیم و وقتی دشمن عقب نشینی نمود ما وی را تعقیب می نمائیم" که در مرحله دفاع استراتژییک بار بار اتفاق می افتد، بیانگر همین مطلب مطرح شده در بالا است. ازینرو لازم است که نتنها حزب کمونیست، ارتش چریکی خلق و سایر دسته های مسلح انقلابی آمادگی داشته باشند بلکه باید بتوده های مسکون در مناطق پایگا - هی نیز بفهمانند که بخصوص در مراحل اولیه برپائی جنگ خلق امکان دست بدست شدن مناطق به کرات مطرح خواهد بود، حتی بعد از داخل شدن به مرحله تعادل استراتژییک نیز چنین دست بدست شدن ها ولو به ندرت باشد اتفاق خواهد افتید.

بقیه در صفحه بعد

مردم بخصوص دهاقین فقیر زیر رهبری حزب بدون ایجاد پایه های دولت نوین خلق در مناطق پایگاهی ممکن نیست • بی توجهی به این موضوع کلیدی از جانب حزب کمونیست ویر از مسیر اصلی مبارزه اش منحرف می گرداند • لذا بوجود آوردن پایه های نوین دولت خلق در پایگاه های آزادامری است که خط مائوئیستی در مرحله • دفاع استراتژیک به آن تاکید مینماید •

وقتی از ایجاد دولت نوین خلق در پایگاه های آزاد صحبت بعمل می آید، ضرورت ایجاد جبهه • متحد نیز متبارز و برجسته میگردد • جبهه • متحد بخاطری لازم است که بدون سازماندهی و بسیج طبقات انقلابی که متحدین پرولتاریا اند نه تنها پایگاه های سرخ بلکه دولت نوین خلق نیز نمیتواند پایدار بماند • ستون فقرات جبهه • متحد را اتحادکارگران و دهقانان تشکیل میدهد •

از آنجائیکه دیگر پای قشون متجاوز در کشور در میان نیست جبهه • متحد نمیتواند قاطبه • ملت یعنی مجموع نیروهای مخالف سوسیال امپریالیسم شوروی و دولت مزدور کابل را در بر گیرد • لذا پایه های جبهه • متحد نیز به صورت طبیعی اش یعنی بصورت اتحاد کارگر - دهقان در مرحله • دفاع استراتژیک بوجود می آید • از آنجائیکه حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست - مائوئیست تیوری سه جهان را رویزیونیستی میدانند لذا ترکیب جبهه • متحد

ولی این توضیحات نه بدان معناست که همانند حزب کمونیست فلیپین عمل نمود • این حزب در مناطق آزاد شده و تحت کنترل خویش که سالیان درازی از عمر آن سپری می شود جرئت نمیکند مناسبات کهن و ارتجاعی را برهم زده بجای آن حاکمیت خلق و فرهنگ نوین را اعمال نماید و به این طرز فکر نادرست و انحرافی اتکاء دارد که چون هنوز به تمسک فلیپین مسلط نیست نباید اعمار جامعه نوین را عملاً آغاز نماید •

مسئله • برپائی حاکمیت خلق و مبارزه برای انهدام فرهنگ ارتجاعی کهن در مناطق پایگاهی پایه و اساس قدرت نوین میباشد و به هیچ صورت تعلل در آن مجاز نیست و نباید ایجاد حاکمیت خلقی را به مراحل بعدی جنگ خلق ( تعادل استراتژیک یا تعرض استراتژیک - یک ) به تعویق انداخت •

اگر قرار است حزب کمونیست اعتماد و پشتیبانی عمیق ملیونها توده و بخصوص دهاقین فقیر را میخواهد جلب نماید، باید به آنها با ایجاد پایگاه های سرخ و بوجود آوردن حاکمیت خلقی امکان دهد که حقانیت ادعای حزب را به محک زده و به تجربه دریابند که این حاکمیت جدید متعلق به خود آنها بوده و باید از موجودیتش با نثار جان های خویش حراست نمایند •

کسب قدرت سیاسی و بدست آوردن تجربه • لازم توسط میلیونها نفر از توده های

بر مبنای این تئوری راقاطعانه رد مینماید .  
درینجا لازم است به این نکته نیز توجه  
نمائیم که اپورتونیسیم مسلح راست در کشور ما  
هیچگاه ب فکر ایجاد پایگاه های سرخ نبوده و نه  
ب ضرورت رهبری و موجودیت حزب کمونیست  
تاکید کرده ، برعکس ازین موضع ضد  
مارکسیستی حرکت نموده که میتوان بدون  
حزب و از طریق جبهه " انقلاب " رابه پیروزی  
رساند .

برای آنکه مناطق آزاد بتواند موثر بودن  
خود را من حیث ارگانیسیم جنگی حفظ کند، حزب  
کمونیست در برخورد به مسایل پایگاه از اصل  
" سیاست مقدم بر تمام امورا است " پیروی می  
کند و امور نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و  
فرهنگی پایگاه هارا بر اساس مشی و سیاست  
پرولتری در انقلاب ملی- دموکراتیک طراز نو-  
بین تنظیم میکند . فقط در پرتومشی و سیاست  
حقیقتاً مارکسیستی- لنینیستی- مائوئیستی  
است که پایگاه های سرخ در پروسه جنگ خلق  
و با تجربه اندوزی از حاکمیت خلق به جمهوری  
دموکراتیک نوین افغانستان مبدل شده و راه  
پیشرفت بسوی سوسیالیسم هموار میگردد . در  
امر سازماندهی پایگاه های سرخ توجه به این  
نکته، خیلی مهم و با اهمیت یعنی حاکم بودن  
رهبری حزب بر پایگاه ها از یک طرف و استفاد  
ده از مزیت های دموکراسی توده ای توسط  
توده های مردم ساکن در پایگاه ها از جانب دیگر  
ضروری می باشد .

چهارمین مسئله : از آنجائیکه حزب  
کمونیست افغانستان بمثابه سازمانی از پرولتاریا  
- ریای بین المللی عمل مینماید که هدف مبارز  
- ه اش سرنگون ساختن استبداد، ارتجاع و  
امپریالیسم و برپائی کمونیسم در سراسر جهان  
می باشد (از طریق به پیروزی رساندن انقلاب-  
بات ملی- دموکراتیک طراز نوین و انقلابات  
سوسیالیستی) وظیفه دارد برای شناساندن  
متحدین بین المللی توده های زحمتکش  
افغانستان و دشمنانش در بین آنها به تبلیغ  
بپردازد . این مبارزه با بینش ناسیونالیستی  
که تبلیغات را محدود به تبلیغ میان زحمت  
کشان کشور خودی می نماید در تخالف میباشد .  
لذا حزب درین زمینه نیز وظیفه جدی در پیش  
رو دارد . یعنی تبلیغ جنگ خلق این کشور در  
بین خلقهای سراسر جهان و جلب حمایت آن  
ها از این مبارزه برحق و عادلانه .

هكذا حزب وظیفه دارد برای اینکه بتواند  
کامیابی هایش را پیوسته استحکام داده و به  
پیشروی خود ادامه دهد، مبارزه با خطوط انحراف  
- فی راکه گاهی بصورت انحراف راست و گاهی  
در قالب انحراف چپ تبارز خواهند یافت یک  
ضرورت همیشگی و تخطی ناپذیر بداند . زیرا  
ضرورت پیشبرد مبارزه علیه خطوط انحرافی  
منحصر به چند مرحله جنگ خلق نبوده، قبل از  
آغاز آن و بعد از بی پایان رسیدن آن نیز ادامه  
خواهد یافت زیرا این مبارزه بواقعیت وجود  
باقی در صفحه ۴ (۳۲)

موضوع توجه نمائیم که هدف حزب کمونیست از رهبری و پیشبرد جنگ خلق جلب حمایت و بسیج توده های ملیونی اعم از کارگران، دهقا- نان، خرده بور ژوازی شهروروستاها، بورژوازی ملی، نیروهای ملی و دموکراتیک بمنظور مبارزه برای سرنگونی سلطه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امپریالیسم، سرمایه بروکرا- تیک و فیودالیسم میباشد، نه کسب امتیاز از آنها. لذا معیار تثبیت و برتری حزب از لحاظ سیاسی و نظامی آن نیست که دولت مزدور کابل و احزاب ارتجاعی اسلامی موجودیتش را ولو از روی ترس و رعبی که این حزب بر آنها می گذارد، قبول و به آن احترام نماید. زیرا حزب کمونیست نه علیه کدام دشمن خیالی و غیر موجود جنگ خلق را به راه میاندازد، بلکه هدف این جنگ نابود ساختن این دو نیروی ارتجاعی و کوتاه نمودن دست باداران امپریالیست آنها از این کشور می باشد. ما اعتقاد داریم که هیچگاه این دو نیروی ارتجاعی برتری حزب کمونیست و نیروهای جنگنده اشرا به رسمیت نشناخته و به آن احترام نخواهد گذاشت.

### تعادل استراتیژیک :

باسپری نمودن مرحله دفاع ستراتیژیک جنگ خلق وارد مرحله تعادل میشود. اگر در پروسه تبانی- تقابل امپریالیسم که بانزدیکی شوروی و امریکابیشتر برجسته شده است، امپر-

دو خط و مبارزه آنها در حزب بر میگردد. یکی از خطوط انحرافی که تا حال سلطه اش بر جنبش چپ کشور برقرار است اپورتونیسم راست میباشد. خط اپورتونیستی راست که در قالب فعالیت های پوششی و مشی جبهه سوی متباز شده است با پربهادادن به یک طرف دشمن، همراه با دشمن دیگر در پناه آن (در واقع بنفع آن و به ضرر مبارزه مستقل) در جنگ ضد قوای اشغالگر و اکنون در جنگ علیه دولت کابل شرکت دارد که خود ریشه در طرز تفکر سه جهانی داشته و مبین بی اعتقادی به مائوئیسم می باشد.

هکذا حزب کمونیست به مسئله جلب حمایت فعال پنج میلیون پناهندگان افغانی در کشورهای مختلف جدا توجه و آنرا مدنظر میگیرد و هیچگاه به بخش عظیم آنها که در دوکشور ایران و پاکستان زندگی مینمایند به عنوان نیروهای کاملاً پشت جبهه نمی نگرد که واقعیات ده یازده سال جنگ خود بر این نظر ماصحه میگذارد. حزب با پیشبرد فعال فعالیت تبلیغی، ترویجی و اشکال دیگری از مبارزه میتواند فعالانه آنها را برای پیشبرد جنگ خلق بسیج نماید.

حزب با پیشبرد موفقانه این همه عرصه های مبارزاتی میتواند مرحله دفاع ستراتیژیک را پشت سر گذاشته به مرحله تعادل ستراتیژیک عبور نماید.

در اخیر این مبحث لازم است به این



مرحله ۴، تعرض استراتیژیک سازماندهی پرولتاریا - ریا و دیگر اقشار جامعه و ایجاد دسته های مسلح چریک شهری یعنی پیوند دادن مبارزه روستاها با شهر و پیشبرد مبارزه در شهر برای حمایت از دهات مطرح میگردد. احتمالاً ۴-مرحله ۴، تعادل استراتیژیک نیز همانند مرحله ۴- دفاع استراتیژیک یک دوره طولانی مبارزه را در برمیگیرد. درین مرحله نیز در برابر حزب مسایل متعددی قرار خواهد گرفت که حل آن هوشیاری و تدبیر لازم را از حزب میخواهد.

#### مرحله ۴، تعرض استراتیژیک :

در مرحله ۴، تعرض استراتیژیک وظیفه ۴ اساسی حزب بسیج حد اکثر نیروهای میباید که خواهان رهائی از چنگال امپریالیسم، سرمایه بروکرات و فیودالیسم و استقرار جمهوری دموکراتیک نوین در افغانستان می باشند. در دوران تعرض استراتیژیک حزب کمونیست در عین حال لیکه سعی مینماید تا اکثریت نیروهای اجتماعی را چه در شهرها و چه در روستاها بر ضد این سه دشمن بسیج کند، تکیه اصلی اش روی پایگاه های سرخ و ارتش خلق میباید. تسلیح مردم در پایگاه های سرخ بوجود آوردن شورا های مسلح آنها ( این شورا های مسلح غیر از ارتش خلق میباشند ) زیر رهبری حزب کمونیست یک قوت نیرومند جنگی برای پیشبرد تعرض استراتیژیک بردشمن می باشد. وقتی حزب سه بقیه در صفحه بعد

یسالیستها و مزدوران شان بتوانند باتبانی همدیگر دولتی باقاعده وسیع بوجود بیاورند در آن صورت جنگ خلق که حزب کمونیست رهبر آنرا بعهدده دارد نه با دشمن بلکه بایک دشمن که با وجود قاعده وسیع اش چندان مقتدر نخواهد بود، روز برو خواهد شد ولی اگر وضعیت تا آن وقت بهمین روال پیش رود، در آن صورت جنگ خلق و در پیشاپیش آن حزب کمونیست با دشمن یا یک دشمن در دو چهره روبرو بوده و با هر دو مصاف خواهد داد. بهر حال حزب در جریان جنگ خلق چه بایک دشمن روبرو باشد و چه با دو دشمن، در هر دو صورت وظیفه اش پیش برد موفقانه جنگ خلق می باشد.

در مرحله ۴ تعادل استراتیژیک حزب کمونیست از حالت اولی خود بیرون میآید و وارد مرحله ای میگردد که تقریباً با تمام شئون زندگی و مبارزه توده ها بخصوص با اهالی مناطق آزاد مستقیماء سروکار داشته باشد. درین مرحله حزب کمونیست و ارتش چریکی خلق از آنچنان نیرو و پشتوانه ای برخوردار می باشد که دیگر دشمنان خلق توان لشکرکشی علیه ویرادر خود نمی بینند. درین مرحله دیگر تسلط حزب بر بخش مهمی از روستاها و احیاناً بعضی شهرها بیک واقعیت عینی مبدل می گردد.

درین مرحله دیگر توجه به سازماندهی کارگران، دهقانان، زنان و صاحبان مشاغل آزاد در پایگاه های سرخ کافی نیست، برای عبور سه

دولت نوین دیکتاتوری دموکراتیک خلق زیر رهبری حزب کمونیست می باشد .

تذکر این مطلب را ضروری میدانیم که علت بحث مفصل تر مادرمورد تدارک جنگ خلق و مرحله دفاع استراتژیک قبل از همه روشن نمودن نکته نظریات ما برای خودماست تا با تفکیک وظایف هر یک از این مراحل و توجه دقیق در مورد بکارگیری آن، خطر افتیدن به راه های زیانبار و انحرافی گرفته شود .

بحث مادرمورد مرحله تعادل و تعرض استرا - تیژیک از آن رو خیلی محدود شد که نخواستیم بیشتر قرینه سازی و تیوری بافی نمائیم، امید است برپائی جنگ خلق و پیروزی هایش نشان دهد که چطور میتوانیم روی این مراحل بیشتر از آنچه گفتیم صحبت نمائیم .

**به پیش در راه تدارک و برپائی  
جنگ خلق !**

سازماندهی مسلحانه بیشترین درصد توده ها و نیروهای انقلابی موفق شود، دیگر آماده تعرض استراتژیژیک میگردد و به این ترتیب حزب کمونیست برای تطبیق برنامه حداقل خود در بین توده ها و با پشتیبانی همه جانبه آن ها زمینه های مساعد واقعی می یابد . ایجاد ارتش خلق، تشکیل شوراهای مسلح مردم و ایجاد حاکمیت نوین خلقی از ترکیب پایگاه های آزاد صر فاء شرایط گذار به مرحله تعرض استرا - تیژیک را مهیا نمیکند، بلکه در عین حال شرایط استقرار حاکمیت سیاسی سرتاسری توده ها را نیز فراهم مینماید . توده های مردم در خلال جنگ خلق در مناطق پایگاه های سرخ زیر رهبری حزب کمونیست حاکمیت خود را از پائین به بالا بوجود می آورند تا شرایط بوجود آمدن جمهوری دموکراتیک نوین افغانستان را در سراسر کشور فراهم نمایند .

اینکه جمهوری دموکراتیک طراز نوین در افغانستان از لحاظ تشکیلاتی چه شکلی بخود اختیار خواهد نمود، این جمهوری چه وقت بوجود خواهد آمد، چگونه دیگر گونیهای انقلابی را در دستور کار خود قرار خواهد داد، مربوط بشکل پیشرفت جنگ، ارتش خلق و مهمتر از همه به شکل سازماندهی و هماهنگی مبارزاتی میان پایگاه های سرخ که از ترکیب آنها دولت آینده بوجود آید ارتباط میگیرد . اما آنچه در دولت نوین افغانستان نمیتواند تغییر و تعویض یابد، مضمون طبقاتی آن میباشد . مضمون طبقاتی این

## اعلامیه سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان

به مناسبت

### بیست و ششمین سالگرد بنیانگذاری جنبش کمونیستی - مائوئیستی افغانستان

امروز بیست و ششمین سالگرد تشکیل سازمان جوانان مترقی و به عبارت دیگر بیست و ششمین سالگرد بنیانگذاری جنبش کمونیستی - مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی در افغانستان است. سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان بمثابة يك سازمان مارکسیست - لنینیست - مائوئیست یعنی بمثابة میراث دار اصولیت های حاکم بر خط انقلابی سازمان جوانان مترقی بر پائی کارزار سه ماهه غرض گرامیداشت این سالگرد را اعلام مینماید. ما از تمامی نیروها و شخصیت های کمونیست و تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی و ملی - دموکرات دعوت به عمل می آوریم که در بر پائی و پیشبرد این کارزار مارا کمک و یاری رسانند. تشکیل سازمان جوانان مترقی در بیست و شش سال قبل موجودیت جنبش مائوئیستی در افغانستان را رقم زد و مبارزات بعدی آن سازمان موجودیت این جنبش را در کشور تثبیت نمود.

اما متأسفانه جنبشی که در نیمه دوم سالهای چهل از شگوفائی عالی و رشدگسترده در سطح کشور برخوردار بود، در سالهای بعد بنابر عوامل بین المللی و داخلی از شگوفائی و رشد بازماند و بخش های بسیار وسیع و اکثریت قریب به اتفاق رهبران آن به راه گمی ها و انحرافات متعدد ایدئولوژیک - سیاسی مبتلا گشتند و کودتاگری، جبهه بازی و تسلیم طلبی ملی - طبقاتی بر جنبش چیره گشت. سرنگونی سوسیالیسم در چین و ارتداد انور خوجه همانطوریکه صدمات بزرگی بر جنبش بین المللی کمونیستی وارد نمود راه گمی و انحرافات مسلط بر جنبش کشور مارا نیز بیشتر از پیش تقویت کرد. رویزیونیسم سه جهانی و رویزیونیسم خوجه ای توانست به بستر راه گمی ها و انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی و تفرقه و تشسستت تشکیلاتی جنبش کشور ما ساحه نفوذ و جای پای باز نموده دسته هائیرا به منجلاب رویزیو - نیسم سقوط داد و دسته هائیرا نیز در برزخ انحرافات گوناگون سنتریستی زندانی ساخت. این وضعیت باعث گردید که مدعیان کمونیسم در کشور نتوانند بطرف تشکیل حزب کمونیست افغانستان پیش بروند و غرض رهبری انقلاب دموکراتیک نوین این چنین حزبی را به وجود

آورند. بنا به علل و عوامل مختلفی مقاومت حماسی مردم ما علیه قوای اشغالگر سوسیال امپریالیستی در طی يك دهه نتوانست بمثابه، بخشی از انقلاب دموکراتیک نوین و بصورت ضربه ای از ضربات جدی مبارزات مردم ما بر پیکر مناسبات پوسیده و ارتجاعی حاکم بر کشور، پیش برود. ولی با قاطعیت و یقین کامل باید گفت که یکی از عوامل اصلی آن عدم وجود - پیت حزب کمونیست - مارکسیست - لنینیست - مائوئیست در کشور بود.

جنبش مائوئیستی در افغانستان، بار دیگر در اواسط دهه، جاری در تحت تاثیر مواضع جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و درس آموزی از تجارب گذشته، مبارزاتی قد برافراشت. این جنبش از آن زمان تا حال به دستاوردهای مهمی نائل آمده و ژرفای ایدئولوژیک - سیاسی و گستردگی تشکیلاتی بیشتری یافته است. " بوجود آمدن کمیته، تبلیغ و ترویج، هسته، انقلابی، املا - بخش مائو تسه دون اندیشه و موقفگیری نوین رفقای سازمان پیکار برای نجات افغانستان بر سلطه، بلا منازع مواضع انحرافی بر بخش های مختلف جنبش کمونیستی افغانستان پایان داده و خط مائوئیستی را بمثابه، یگانه خط اصولی در مقابل آنها قرار داد. " " گام مثبت بعدی تشکیل کمیته، انسجام و وحدت بود. تشکیل این کمیته، هسته، انقلابی، کمیته، تبلیغ و ترویج - املا بخش مائو تسه دون اندیشه و سازمان پیکار را در پروسه، پیشبرد مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی برای تدوین مشی اصولی و تامین وحدت میان شان به منظور تشکیل حزب کمونیست افغانستان قرار داد، " پروسه، بریدن و گسست دسته های متعددی از مواضع انحرافی مسلط بر سازمان های چپ نمای مرتد و منحرف گامی سومی بود که جنبش نوین مائوئیستی در کشور را بطرف گستردگی بیشتری سوق داد. درین رابطه میتوان از موضعگیری مارکسیستی - لنینیستی - مائو تسه دون اندیشه و موضعگیری روشن در دفاع از جنبش انقلابی انترناسیونالیستی توسط سازمان کمونیست افغانستان یاد کرد.

میگردند.

" تشکیل سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان بمثابه، حاصل مبارزات ایدئو - لوژیک - سیاسی بخشی از تشکیل دهندگان کمیته، انسجام و وحدت به یقین گام کیفی مهم دیگری در شگوفائی هرچه بیشتر جنبش کمونیستی نوین کشور محسوب میگردد. " " بر اهمیت این گام کیفی مهم بخصوص از دو جهت باید تاکید ویژه نمود:

اولاً ازین جهت که پلا تفرم کمیته، انسجام و وحدت در وجود اعلام مواضع سازمان کمونیستهای انقلابی افغانستان، بصورت يك خط ایدئولوژیک - سیاسی مدون و روشن ارائه گردیده است.

ثانیاً ازین جهت که سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان بعنوان نماینده اصولی جنبش مائوئیستی کشور در جنبش کمونیستی بین المللی جای مناسب را احراز نموده و افتخار عضویت کامل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را بدست آورده است.

گامهائیکه اکنون باید به پیش برداشته شوند عبارت اند از تلاش بیشتر در جهت تدوین منظم تر و منسجم تر و شرح تر خط ایدئولوژیک - سیاسی مائوئیستی، تدوین برنامه حزب کمونیست افغانستان و حرکت بطرف ساختمان حزب از لحاظ تشکیلاتی و البته در راستای تدارک برای برپائی جنگ خلق و ایجاد پایگاه های انقلابی. اینها وظایفی اند که بر دوش تمامی نیروهای مارکسیست - لنینیست - مائوئیست کشور سنگینی مینمایند. اما سازمان کمونیستهای انقلابی افغانستان - بنا بر همان دلائل متذکره قبلی - نمیتواند و حق ندارد که در قبال اجرای درست، اصولی و هرچه سریعتر وظایف متذکره فوق مسئولیت درجه اول و سنگین خود را فراموش نماید.

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان بمناسبت تجلیل از بیست و ششمین سالگرد تشکیل سازمان جوانان مترقی و بمنظور اجرای درست، اصولی و هرچه سریعتر وظایف انقلابی یک برعهده اش می باشد، کارزار سه ماهه ایرا در عرصه های ذیل برپا می دارد:

۱- تامین پیوند سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان و اعضاء و هواداران آن با بخش های مختلف جنبش کمونیستی افغانستان و نیروها و شخصیت های ملی - دموکرات کشور.

۲- پخش وسیع اعلام مواضع سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان در میان نیروها و شخصیت های کمونیست و ملی - دموکرات و در پهلوی آن پخش "شعله شماره ۱۲" (برنامه کمیته تبلیغ و ترویج)، "سازش و توطئه" (سند منتشر شده اصلی موقوفگی نوین رفقای پیکار)، مرام نشراتی جریده، یورش و اسناد منتشر شده اصلی محفل جوانان مترقی و اتحاد راه زحمتکش.

۳- تهیه و جمع آوری کمک مالی به مبلغ پنج میلیون افغانی غرض رفع برخی ضرورت های مالی سازمان به اساس سیاست اتکاء بخود و اتکاء به توده ها.

این کارزار حرکتی است در جهت تعمیق و گسترش پیوند سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان با نیروها و شخصیت های کمونیست و در قدم اول با نیروها و شخصیت های مائوئیست کشور به منظور ایجاد و تعمیق مناسبات فعال و رفیقانه، مائوئیستی با آنها در جهت رفع پراگندگی موجود و تامین وحدت، این کارزار حرکتی است در جهت تعمیق و گسترش تبلیغ و ترویج مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان، مشمولین کمیته، انسجام و وحدت و سایر نیروهای مائوئیست در میان منسوبین جنبش کمونیستی و جنبش ملی - دموکراتیک کشور، این کارزار حرکتی است در جهت بنمایش گذاردن راه ها و طرق عملی اتکاء بخود و اتکاء به توده ها از لحاظ مالی و یا به عبارت دیگر حرکتی است در جهت بنمایش گذاردن راه ها و طرق عملی بریدن و گسست از اتکاء بمنابع مالی ارتجاعی - امپریالیستی، این کارزار حرکتی است در جهت پیشروی بسوی ایجاد حزب کمونیست افغانستان و برپائی جنگ توده ای طولانی در کشور و در نهایت این کارزار حرکتی است در جهت به نمایش گذاردن توانائی، ظرفیت، پویندگی و کارائی جنبش کمونیستی و جنبش ملی - دموکراتیک افغانستان.

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان اعضاء و هوادارانش را یکجا با منسوبین جنبش کمونیستی (مائوئیستی) افغانستان بخصوص مشمولین کمیته، انسجام و وحدت و نیروها و شخصیت های ملی - دموکراتیک فرا میخواند که در برپائی و پیشبرد این کارزار فعالانه سهم گیری نمایند.

به پیش بسوی تشکیل حزب کمونیست افغانستان!

به پیش بسوی تدارک، برپائی و پیشبرد جنگ توده ای طولانی!

مرگ برسوسیال امپریالیسم - امپریالیسم و ارتجاع!

۱۳ میزان ۱۳۶۹

مطابق

۴ اکتوبر ۱۹۹۰

رتجاع و امپریالیسم جهانی به آن مبتلا بوده و متاسفانه هنوز هم هست .  
 درین میان انتشار " اعلامیهء جبههء ملی رهائیبخش افغانستان " که نقش درجه اول و  
 بهم عبدالقیوم " رهبر " در آن آشکار بود ، گام نسبتا سالمی محسوب میگردد . اما متاسفانه  
 بن گام سالم نسبی نیز به نتیجه گیری های نا درستی رسید . ایستادگی در مقابل جنگ  
 رتجاعی - امپریالیستی نه به تمایل بطرف برپائی جنگ انقلابی بلکه به تمایل بطرف صلح  
 مصالحهء ارتجاعی - امپریالیستی منجر گردید . در واقع بر اساس همین دید و نظر نادرست  
 نا سالم بود که عبدالقیوم " رهبر " و رفقاییش در مقابل تروریسم باند های سیاه بی پروائی  
 یشه کرده و به آنها فرصت دادند که ضربهء دیگری بر پیکر جنبش ملی - دموکراتیک کشور ما  
 اورد نمایند .

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان ترور جنایتکارانهء عبدالقیوم " رهبر " را  
 حکوم نموده و از تمامی نیروهای کمونیست و ملی - دموکرات کشور میخواهد که با تشدید  
 مبارزات شان علیه ارتجاع و امپریالیسم جهانی بر اساس پاسخگوئی به ضرورت جدی رهبری  
 مبارزات انقلابی مردم توسط حزب پیشاهنگ کمونیست (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست )  
 در راستای برپائی جنگ خلق و انقلاب دموکراتیک نوین ، تجلیل شایسته و در خور ستایشی از تمام  
 شهدای مردم ما - ومنجمله " رهبر " - به عمل آورند .

مرگ بر سوسیال امپریالیسم - امپریالیسم و ارتجاع !  
 زنده باد جنگ خلق ، زنده باد انقلاب ، زنده باد کمونیسم !  
 به پیش در راه تشکیل حزب کمونیست افغانستان !

اکنون از شهادت عبدالقیوم " رهبر " مدت تقریبا هشت ماه می  
 گذرد . سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان در طی این مدت به  
 انتظار نشست تا رهبری فعلی " ساما " جوانب مختلف ترور " رهبر "  
 را روشن کرده و بخصوص عاملین مستقیم این عمل جنایتکارانه را شناسائی  
 نموده و به جنبش انقلابی مردم افغانستان و جهانیان معرفی نماید .  
 اما متاسفانه رهبری فعلی " ساما " با بی مسئولیتی در قبال این  
 قضیه بر خورد کرده و یکبار دیگر تزلزل و نوسان سیاسی خود را به  
 نمایش گذاشت . به نظر میرسد انتظاری که ما از رهبری فعلی " ساما "  
 داشتیم انتظار بیهوده ای بوده است . ازین جهت معطلی بیشتر را لازم  
 ندیده و به وسیلهء سطور فوق نفرت و انزجار خود را از باند های  
 سیاه تروریست بیان داشتیم .

## ترور عبدالقیوم " رهبر "

### جنایت دیگری توسط عمال هار و وحشی ارتجاع و امپریالیسم جهانی



عبدالقیوم " رهبر " در شامگاه ششم دلو ۱۳۶۸ توسط عمال هار و وحشی ارتجاع و امپریالیسم جهانی، در حیات ابداد بشاور به شهادت رسید. این ترور وحشیانه و جنایتکارانه میتواند از طرف کمونیست های انقلابی مورد تقبیح و محکومیت قرار نگیرد. این حرکت قاتلانه عمال ارتجاع و امپریالیسم جهانی، عمق ماهیت سپاه و کوردلی قرون وسطائی آنها را به روشنی نشان می دهد. آنها فکر می نمایند که از طریق همراه نداشتن اینگونه عملکردهای بزدلانه میتوانند زمینه را هر چه بیشتر برای حاکمیت استثمارگرانه، ارتجاعی، ضد ملی و وطن فروشانه شان مساعد سازند.

شهادت عبدالقیوم " رهبر " در عین حال نشان داد که از طریق سازشکاری ها یا امپریالیسم و ارتجاع و عمال آنها و کرنش در مقابل شان، نمیتوان جلو وحشیگری و خونخواری آنها را گرفت. عبدالقیوم " رهبر " متأسفانه قربانی توهمات خود و سازمان تحت رهبری اش در قبال ارتجاع و امپریالیسم جهانی و باند های مزدور آنها گردید.

رهبری سازمان آزادیبخش مردم افغانستان " ساما " موقعی عملاً در دست عبدالقیوم " رهبر " قرار گرفت که نتایج زیان آور و فلاکتبار مشی - یا بهتر گفته شود مشی های - حاکم بر این سازمان خود را آشکار ساخته بود. اما وی بجای مبارزه و ایستادگی در برابر تسلیم طلبی های ملی و طبقاتی حاکم بر " ساما " که نتیجه، منطقی سلطه، متناوب مشی های خرده بورژوازی بر سازمان متذکره بود، خود را و سازمان تحت رهبری اش را بیشتر از مسیر مبارزه، طبقاتی و ملی انقلابی دور کرده و در مسیر سازش و مصالحه با ارتجاع و امپریالیسم جهانی انداخت. وی بر علاوه، اینکه در قبال تسلیمی رسمی بخشی از نیروهای " ساما " به دولت مزدور سوسیال امپریا - لیسم شوروی مبارزه، قاطع و جدی ایرا پیش نبرده و به مدارا جویی متوسل شد، روابطش را با سوسیال دموکراسی غرب - این امپریالیست های خوش خط و خال - برقرار کرده و عمق و گسترش بخشید و نیز پیوند های رفیقانه ای با رویزیونیست های حاکم بر چین بوجود آورد.

علاوه ازینها، موقعیکه مشی " تازه اندیشان " در کنفرانس سرتاسری " ساما " کاملاً آفتابی گردید، " رهبر " عدم قاطعیت سنتی خط برنامه، " ساما " در برابر انرا ترک نگفت، بلکه در جهت همدوشی با مشی متذکره همچنان به تلاش ادامه داد.

مجموعه، این عملکردها باعث گردید که بحران ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی " ساما " در تحت رهبری عبدالقیوم " رهبر " روز بروز بیشتر از پیش حدت و شدت کسب نماید و انشعابات - متعددی در آن سازمان صورت گیرد. عبدالقیوم " رهبر " در راهس رفقاییش، در مقابل تمامی انشعابات - به شمول انشعاب تازه اندیشان - از سکوت و یا برخورد سازشکارانه کار گرفت جز در يك مورد. وی در مقابل کسانی که از مشی خرده بورژوازی " ساما " بریده و آشکارا درفش مبارزه کمونیستی را برافراشتند، عکس العمل تند پر خاشجویانه، توأم با عصبانیت شدید از خود نشان داد. " ساما " ی تحت رهبری عبدالقیوم " رهبر " دست زدن به مبارزه، کمونیستی را خیانت خوانده و حکم اعدام و قتل صادر نمود. این عکس العمل تند ناصواب و سخت قابل نگویش روی دیگر سکه، ناباب سازشکاری و تزلزلی بود که " رهبر " و سازمان تحت رهبری اش در قبال